

مهریه زنان از دیدگاه اسلام

مشخصات کتاب:

نام کتاب: مهریه زنان از دیدگاه اسلام

مؤلف: استاد عبدالعظیم جهیر

بازنگری: استاد فضل من الله فضلی

کمپوز: بنایسته گل "قیس نبی زاده"

ناشر: ریاست تدقیق و مطالعات علوم اسلامی

چاپ: اول خزان سال ۱۳۹۹ هـ ش

آدرس: شهرنو کابل افغانستان

تیراژ: ۲۰۰۰ نسخه

ایمیل آدرس: islamicresearch@mohia.gov.af

هزینه چاپ: بودجه اختصاصی پلان عمل ملی قطعنامه (۱۳۲۵) (زنان صلح و

امنیت) در هماهنگی با آمریت جندر

مطبعة: مطبعة و بسته بندی رها - ۰۷۶۶۴۴۴۹۸۱

حق چاپ و نشر برای مؤلف و ناشر محفوظ است



اهداء

به همه برادران و خواهران مسلمانی که متعهد و منقاد به اسلام اند و می خواهند پیام های انسان ساز و رهائی بخش آن را در همه ابعاد و زوایای زندگی معیار عمل قرار دهند و به کسانی که قصد دارند مسئولیت های خود و حقوق دیگران را در پرتو موازین و اصول دینی بدانند و مراعات نمایند.

تقریظ فضیلت‌آب محمد قاسم حلیمی وزیر ارشاد، حج و اوقاف
مقدمه ریاست تدقیق و مطالعات علوم اسلامی
مقدمه مؤلف

مبحث اول کلیات و مفاهیم

۱۳	مطلب اول - تعریف و اسماء مهر
۱۳	تعریف لغوی
۱۴	اسماء مهر
۱۵	مطلب دوم - انواع مهر
۱۵	مهر مسمی
۱۵	مهر مثل
۱۶	مهر معجل
۱۶	مهر مؤجل
۱۷	مطلب سوم - نگاهی به جایگاه نکاح و ازدواج

مبحث دوم مهر از دیدگاه قرآن و سنت

۲۳	مطلب اول: مهر در قرآن کریم
۲۶	مطلب دوم: مهر در سنت
۲۸	مطلب سوم: مقدار مهر

مبحث سوم

مکانت، حکمت ها، فواید و تخفیف در مهر

- ۳۱ مطلب اول - حق مهر، موضوع خرید و فروش نیست
- ۳۳ مطلب دوم - برخی حکمت ها و فضیلت تخفیف در مهر
- ۳۳ برخی حکمت های مهر
- ۳۵ نگاهی به جایگاه آسان گیری و تخفیف
- ۳۸ آسان گیری و تخفیف در مقدار مهر
- ۴۰ مطلب سوم - موارد سزاوار مسابقه
- ۴۵ مطلب چهارم - مسایل متفرقه ای پیرامون مهر
- ۴۵ پیامد مهوور سنگین
- ۵۳ آیا مهر، معافیت، زیادت و تقلیل را می پذیرد؟
- ۵۳ مهر بعد از مرگ شوهر
- ۵۴ آیا عدم ذکر مهر مانع تحقق نکاح می شود؟
- ۵۴ اموالی که مهر شده می تواند
- ۵۵ نتیجه گیری
- ۵۷ فهرست مراجع

تقریظ

فضیلت‌مآب محمد قاسم حلیمی

وزیر ارشاد، حج و اوقاف

الحمد لله رب العالمین امر بالبر و الاحسان و نهی عن الظلم و العدوان و أشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شریک له، له الملك و الحمد و العظمة و السلطان و أشهد أن محمداً عبده و رسوله المؤید بالمعجزات و البرهان و صلى الله علیه و علی آله و اصحابه الذین نشروا دینه فی عموم الاوطان.

قبل از ظهور اسلام برخی از فرهنگها و برداشتهای منحطی وجود داشت که به اثر آن از زنان نوعی استفاده ابزاری روان بود و شخصیت و موقعیت زن در هاله های از اوهام و خرافات فرو رفته و گمنامی و سرگردانی تراژدی باری سرنوشت او را درهم پیچیده بود.

دیدگاه و جایگاه مناسبی برای زنان تثبیت نبود، قساوت، تحجر و بیداد، درهمه عرصه ها علیه آنان اعمال می شد، لکن زمانی که آفتاب عالمتاب اسلام طلوع نمود طی فرازهای پیهم ارشادی و مبارزاتی، حقوق زنان را تأمین و جایگاه اصیل آنها را تعریف نمود.

دین نجاتبخش اسلام به همانگونه که مسیر سعادت و عافیت دنیوی و اخروی انسانیت را ارائه داشت حقوق انسان را اعم از زن و مرد تشریح نموده و در راستای تأمین حقوق زنان، آنها را صلاحیت و ظرفیت بخشید که امکانات مالی و صلاحیت اقتصادی داشته باشند و درین میان یکی از مواردی که زنان را جایگاه و تمکین مالی می دهد استحقاق مهر و تملک آن است.

از آنجا که عنعنات ناپسند و رواجهای نابجا انبوهی از عوارض را در باب مهر و کیفیت ادای آن بار آورده است و برداشت های غلط و غیر معروف، واقعیت این مسأله را در ابهام برده لازم است تا عینیت این موضوع در پرتو ارشادات اسلامی از سلسله تألیف، تبلیغ، نصایح مستمر و سازنده به شرب مردم داده شود.

کتاب هذا را که تحت نام (مهریه زنان از دیدگاه اسلام) روی دست های خود دارید اثر محترم استاد عبدالعظیم جهری است که یکی از دانشمندان و نویسندگان چیره دست میباشند.

این رساله در پرتو نصوص اسلامی و با اتکاء به مراجع معتمد و قوی تألیف یافته و تعلیقات مفیدی هم بر آن افزون گردیده است و اندکترین تأمل میرساند که در تدوین و نگارش اثر حاضر سعی بلیغ و مجدانه و پشتکار قابل وصفی صورت گرفته است.

بدلیل اینکه مطالب و مندرجات آن، ناب، خواندنی و جالب می باشد پس از غور و مداقه مصمم شدم تا با ایزاد سطوری چند، به عنوان تقریظ از آن حمایت نموده و ضمناً به همه برادران و خواهران مسلمان سفارش و تأکید نمایم که کتاب هذا را با حوصله مندی و دقت تمام مطالعه نموده و بر اعمال آن در مراسم نکاح و ازدواج اصرار ورزند تا در تمام معاملات عروسی و محافل ازدواج، هنگامه های بدعت آمیز و ثقلت بار و پدیده های ناهمگون و کمر شکن و رقابت های ناسالم به انتفاء و تبعید رود و آنچه با احکام اسلامی برابر و مشروع و مقبول باشد تصویب و تعمیل شود.

از خداوند کریم و دادگر طلب دارم تا به نویسنده این کتاب پاداش بی بدیل و استعدادهای بیش بهینه ای نصیب فرماید تا در آتیه و روندهای مشابه بتواند خدمات ارزنده و پرمقدار دینی را به جامعه ارائه نماید.

و ما ذلک علی الله بعزیز

محمد قاسم حلیمی

وزیر ارشاد، حج و اوقاف

شهرنو - کابل

خزان سال ۱۳۹۹ خورشیدی

پیشگفتار

ریاست تدقیق و مطالعات علوم اسلامی

الحمد لله الذی أرسل رسوله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله و کفی بالله شهیداً، و أشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شریک له و أشهد أن محمداً عبده و رسوله و صلی الله علیه و علی آله و أصحابه أجمعین.

از آنجا که موضوع مهریه زنان در آیات قرآن عظیم الشان و احادیث رسول اکرم صلی الله علیه و سلم مذکور است و در کتب فقهی و دیدگاههای علما و دانشمندان اسلامی با عبارات و جملات بسیار شیوا و زیبا روی آن تأکید گردیده لازم و ضرور است که ماهیت شرعی و جنبه ثوابی آن نیز در قالب رساله های موجز بر مقدار عقول و ادراک عام مردم، پخش و نشر گردد، زیرا از سرپرده مجالس ازدواج و تقاضا و تقبل مهر و تعامل شهروندان با این جریان چنین برداشت می شود که معلومات، راجع به نکاح و مهر قسماً اندک و محدود بوده و بسا دیده می شود که برخی اوقات کارهای مغایر شرع نا آگاهانه صواب پنداشته می شود و بعضاً بر امور مکروه و نا مانوس به عنوان دلسوزی اصرار می شود و هم از جانب برخی کسان در طلب مهرور سنگین، تنافس و مسابقات غیر موجه و نا سالمی مطرح می گردد.

این در حالیست که عبور از مرحله نکاح و تقاضا و ادای مهر با در نظر داشت احوال و ظرفیتهای مالی و استطاعت طرف پرداخت کننده و توجه به فراخوان دیدگاه اسلامی مبنی بر رعایت تخفیف و فراهمی تسهیلات و تیسیرات به هدف تحصیل فضایل، ساده و روان و قابل تحمل می باشد.

هویدا و پیدا است که دعوت اعضای جامعه به حقیقت نکاح و مهر و تسهیل بستر اجرای این امر مطابق حکم شرعی و ترسیخ و نفوذ بخشیدن احکام اسلامی در خلال اجتماع مسلمانان و ارائه قرائت سالم درین زمینه همگام با زدودن نارسائیهها و خرافات و رقابت های نکوهیده و مذموم که در لایه های جامعه حیثیت تعاملات محتوم را به خود گرفته است تنها و تنها با تعمیم و انتشار آموزه ها و مؤلفه های دینی ممکن و میسر است و چه بهتر که این مرام در

ر ساله های مختصر و قابل فهم به شکل مستدل و موجه به همه برادران و خواهران مسلمان ارائه و تقدیم گردد.

اثر حاضر معنون به (مهریه زنان از دیدگاه اسلام) تألیف یکی از علمای قلم بدست ما محترم استاد عبدالعظیم جهیر است که با اسلوب بسیار زیبا و به شکل دقیق و جوهری تدوین گردیده است.

جایگاه مهر، حکمت ها فضایل تخفیف و پیامد مهور سنگین در آن مطمح نظر قرار داده شده و مسائل و موضوعات و نکات معاصر و مهمی در آن ردیف گردیده و می تواند از لحاظ داشتن نقش اصلاحی قابل ترکیز باشد.

متکی به دلایل فوق، چاپ و نشر چنین آثار دینی را همخوان با روح زمان و تقاضای روز و ضرورت عینی و بالفعل جامعه یک وجیه بسیار حساس و اساسی می دانم و در جنب آن از همه خوانندگان این مضامین و پویندگان این طریق خواهش دارم تا به منطق ارشادات دینی، خود را برسانند و سعی نمایند تا این مندرجات و مفاهیم را در محیط و ماحول خود و تا آنجا که نفوذ داشته باشند پخش و عملی نمایند.

اینک به نیت حسن ختام دعا می نمایم تا خداوند کریم به نویسنده این اثر وزین و گرانها اجر و مکافات بی حساب نصیب فرماید و همچنان استعداد و توفیقات فزاینده ای را شامل حال شان سازد تا در راستای انجام خدمات مشابه و مفید بر بنیاد اشاعه معارف و فرهنگ والای اسلامی جایگاه پر درخشش تری را احراز نماید.

(و الله علی کل شیء قدیر)

محمد شریف رباطی درانی

رئیس تدقیق و مطالعات علوم اسلامی

شهرنو - کابل

خزان سال ۱۳۹۹ خورشیدی

مقدمه مؤلف

حمد و ستایش مخصوص به خدای واحد و یگانه ای است که با تنزیل کتب و ارسال رسل، ابناء بشر را هدایت نمود و به انسان عقل و بصیرت بخشید تا حقوق همگانی را در پرتو دین الهی بشناسد و مکلفیت و مسئولیت های خویش را راجع به ستاندن حق خود و تادیق حق دیگران درک نماید، درود پیوسته به حضرت محمد مصطفی پیامبر رحمت و درود به اصحاب پاکبازش که ارشادات قرآن و سنت را در همه ابعاد زندگی تطبیق و تمثیل نمودند.

برخی جریانات واقع در ضلالت و انحراف می خواهند تلقین نمایند که حقوق زنان در راهکارهای مسلمانان محکوم و مغموض است و زنان تحت فشار و تسلط مطلق مردان قرار داشته و در هیچ عرصه صلاحیت و صلابت موضع ندارند و گویا زندگی آنها حاشیوی است. درحالیکه با مراجعه به تاریخ و عقب نگری به مرحله های درد آور زندگی زنان در گذشته های دور، معلوم می شود که زنان در فرهنگ های مبتذل قبل از اسلام، همچون امتعه و کالا به ارث برده می شدند زیرا به نزد ارباب زور و زمامداران جاهل و متحجر معیار استحقاق و محک ارزش، تهو، تاراج و غارت بود و چون زن این توان را نداشت پس در حرمان از امکانات اقتصادی به سر می برد و بدون تمکین مالی از زیر تصرف پدر در حیطه اداره شوهر می رفت و صاحب رأی و مرجع دیدگاه شناخته نمی شد.

اسلام با فرازهایی از مبارزات راستین و پیوسته، زنان را از فرودین مغاک گمنامی و اهانت بیرون آورده زندگی، انسانیت، کرامت، شرافت، عزت، وجاهت و مکانت را به آنان ارزانی داشت و تعریف اصیلی را از آنها در تابلوی روزگار رقم زد و معمولات روز و ذهنیت های مشغول درین باب را با آدرس و عناوین تازه مضمون حقیقت و آهنگ بیدار باش داد و همان بود که قید و بند های تصنعی و فرسایشی برخاسته از ظلم و اجحاف، روزگار زنان را رها نمود و بهمانگونه که حقوق زنان در ابعاد مختلف تثبیت و تأمین گردید حقوق اقتصادی و صلاحیت تملک نیز به آنها تعلق گرفت و مبرهن گردید که هر تصرفی از قبیل تملک اموال منقول و غیر منقول و اشتغال به تجارت در پرتو مشروعیت برای زن نیز جایز است و زنان نیز مطابق توانمندی و ایجاب حالت خاص خویش و در نظر داشت احکام اسلامی حق حواله، هبه، وصیت، وقف، حضور در محاکم قضایی و دیگر مسایل عقود و معاملات مالی را با شروط و ظروفی که در کتب فقهی اسلامی به تفصیل آمده است دارند.

بناء ضرورت است تا این آموزه ها ومؤلفه ها فراخور طاقت های علمی و به میزان جذب و برداشت مردم به سمع ومطالعه آحاد جامعه برسد تا برادران و خواهران مسلمان ما عینیت و حقیقت مسایل را دریابند و با گسترش توصیه و نصیحت توسط زبان و قلم انتظار سیال و پویا شدن جامعه به تحقق نزدیک و نزدیکتر شود.

رساله هذا را که همین اکنون روی دست های خود دارید اثری است که روی مهریه زنان از دیدگاه اسلام نگارش یافته و به نکات اهم و ضروری در ابواب مختلف برین محور بیان و ایماء دارد و هرگاه به دیدگاههای مندرج در آن واقعا توجه معطوف و مراتب آن تعمیل و اجرا شود شایستگی ها و ظرفیت های معقول و مقبولی برای ما دست خواهد داد.

نکاح و ازدواج در پرتو ارشادات اسلامی یک عقد پاک و مبارک است و طی آن حقوق و تعهداتی میان شوهر و خانم مطرح می گردد، و از جمله مسئولیت های مالی ای که بالای شوهر لازم می گردد مهر، نفقه، لباس و مسکن است که اینک از میان آنها موضوع مهر، من حیث یکی از موارد تمکین مالی زنان گزینه بحث ماست.

عرض می شود که در ترجمه آیات قرآن عظیم الشان از تفسیر نور، تألیف محترم داکتر صاحب مصطفی خرمدل استفاده شده است.

از خداوند کریم و رحیم با تضرع طلب دارم تا اشتباهات رفته در ترتیب این اثر را با سایر لغزشهای ما عفو و از الطاف بیکران و بی پایانش نجات از آلام و عافیت مؤبد را نصیب ما فرماید.

از خوانندگان محترم رجامندی و انتظار است تا کمبودی ها و ناتوانی های برخاسته از ضعف این جانب را بر سیل تفقد اطلاع خواهند بخشید.

باعرض حرمت

عبدالعظیم جهیر

کابل

خزان سال ۱۳۹۹ خورشیدی

مبحث اول کلیات و مفاهیم

مطلب اول - تعریف و اسماء مهر تعریف لغوی :

مهر کلمه عربی است و بر همان مبنی و مفهوم عربی اش متداول و مستعمل بوده و به معنای صداق و عوض می آید.

مهر عبارت از مالی است که برای زوجه در عقد نکاح بالای زوج در مقابل بضع به تسمیه یا به عقد لازم می گردد.

مهریه مالی است که به محض عقد و معاشرت برعهده مرد قرار می گیرد و زن استحقاق آن را پیدا می نماید.^۱

مهریه حقی است که زن بر مرد دارد و (زن) مالک آن است و برای هیچ کسی حلال نیست، پدر باشد یا غیر پدر که چیزی از آن را برای خود بردارد مگر اینکه زن بر این کار راضی باشد.^۲

همچنان گفته شده که مهر یکی از آثار مرتبه عقد ازدواج صحیح است که اداء و پرداخت آن بالای شوهر لازم می گردد.

همچنان به نظریه علمای کرام، مهر یک نوع حقی است که به هدف بیان شرف عقد ازدواج و اظهار اهمیت آن وضع شده و پس از عقد صحیح بالای شوهر لازم می گردد و مالک و متصرف

^۱ - فقه خانواده درجهان معاصر صفحه ۱۴۸ تألیف ، دوکتور وهبة زحیلی ترجمه عبدالعزیز سلیمی ، چاپ دوم

^۲ - مختصر فقه از قرآن و سنت، صفحه ۳۵۵ مؤلف عبدالعظیم بن بدوی مترجم عبدالله محمدی ناشر احسان، چاپخانه مهارت،

آن زن میباید. و یا مهریه یا صداق مقدار مالی است که شوهر در ارتباط با روابط همسری تقبل می نماید.

فقه‌های مذهب احناف می گویند آنچه زن بر اساس عقد نکاح و یا جماع در نکاح فاسد و شبهه مستحق آن می گردد مهر نامیده می شود و یا عبارت از مالی است که در عقد نکاح در مقابل منافع زناشوئی با تسمیه و تعیین و یا به اساس عقد بر عهده شوهر واجب می گردد.^۱

اسماء مهر :

- مهر دارای ده نام است : مهر، صداق، نحلة، اجر، فريضة، حباء، عقر، علائق، طول و نکاح.
- مهر: کابین و آن نقد و جنسی می باشد که در وقت نکاح بر ذمه مرد مقرر کنند.^۲
- صداق: کابین و مهر زن، نحلة.^۳
- نحلة: کابین زن دادن، بی عوض و بی طلبی، مهر زن را دادن، اعطاء کردن بدون عوض، عطية، هديه.^۴
- اجر: پاداش نیک، مزد، اجرت، کابین زنان، مهر زن.^۵
- فريضة: فرموده خدای از زکات مال و ستور و از نماز و روزه، بهره فرض کرده، حصه مفروضه، واجب، لازم الاجراء.^۶
- حباء: دهش بی پاداش و منت، بخشش، عطاء دادن، مهر زن، یاری دادن بی پاداش و منت، میل کردن بچیزی.^۷

۱- مهر و نفقه صفحه ۱ نویسنده عبدالصیر شیخ احمدی چاپ مطبعة افغان مارک کابل افغانستان سال چاپ چاپ پنجم

عقرب سال ۱۳۹۵

۲- لغت نامه علی اکبر دهخدا، جلد ۱۴ صفحه ۲۱۸۸۲

۳- همان، جلد ۱۰ صفحه ۲۱۴۸۸

۴- همان، جلد ۱۴ صفحه ۲۲۳۶۹

۵- فرهنگ فارسی معین جلد اول صفحه ۱۷۹ چاپ سوم ۱۳۸۸ ه ش

۶- لغتنامه علی اکبر دهخدا، جلد ۶ صفحه ۸۵۹۶

۷- همان، جلد ۱۰ صفحه ۱۵۹۹۵

- عقر : کابین زن، صداق زن، گویند عقر وقتی در مورد زنان آزاد بکار برده شود منظور، مهرالمثل است.^۱

- علائق : گرفتاری و بستگی به امور معیشت.^۲

- طول : منت نهادن بر کسی، فزونی کردن بر کسی، فخرنمودن، با کسی فضل کردن، در فضل

غلبه کردن، غالب آمدن در فضل، غالب آمدن در درازی، بدرازی غلبه کردن، احساس کردن.^۳

- نکاح : زن کردن، عقد زناشویی بستن، زن گرفتن، تزوج، کابین کردن، عقدی که میان زن و شوهر بندند، کابین عقد زناشویی، تأهل ...^۴

مطلب دوم - انواع مهر

مهر مسمی :

مهر مسمی، آن مهری است که در وقت نکاح از طرف زوجین و وکیلان آنان برضامندی و رغبت تعیین می نمایند.^۵

مهر مثل :

این همان مهریست که مانند مهر زنان این خانواده مثلا خواهر، عمه، دختران کاکا، مقرر کرده شود در نزد امام ابوحنیفه رحمه الله، اصل مهر، مهر مثل است.^۶

مهر مثل عبارت است از مقدار مهر زنی از خانواده پدری زوجه مورد بحث که از نظر معیارهای معتبر درین مسئله با وی مماثل و مشابه می باشد یعنی هرگاه مهر زنی در وقت عقد تعیین و تسمیه نشود یا تسمیه غیر معتبر شود... درین صورتها برای چنین زن همان مقدار مهری در نظر

^۱ - همان، جلد ۱۰ صفحه ۱۵۹۹۵

^۲ - همان، جلد ۱۰ صفحه ۱۶۰۴۲

^۳ - همان، جلد ۱۰ صفحه ۱۵۵۵

^۴ - همان، جلد ۱۴ صفحه ۲۲۶۸۴

^۵ - فتاوی حقانیه، جلد ۴ صفحه ۴۵۶ افادات شیخ الحدیث حضرت مولانا عبدالحق صاحب رحمة الله علیه، مترجم، مولانا نصرالله منصور

تخاری، ناشرمکتبه فریدیہ محلہ جنگی پشاور

^۶ - فتاوی حقانیه، جلد ۴ صفحه ۴۵۶

گرفته می شود که قبلا برای کدام زنی از اقارب پدری اش تعیین و پرداخت شده است مانند خواهر و عمه موصوفه. در صورتیکه چنین اقارب نداشته باشد مهر زنی برایش در نظر گرفته می شود که در صفات مورد نظر مماثل وی بوده و از خانواده مشابه خانواده پدرش باشد.^۱ زمانی که در عقد نکاح، مهر، مُسمی نشد و یا به هردلیل دیگری عملی نشود در این صورت نزد جمهور (احناف، شافعیه، حنبله) به گزینه اصلی (مهر مثل) مراجعه می شود.^۲

مهر معجل :

مهر معجل آن است که فی الحال داده شود و یا دادن آن فی الحال مقرر گردد.^۳ مذاهب چهار گانه در تعجیل مهر اتفاق نظر دارند.^۴ اگر مهر معجل باشد زن حق دارد هر وقتیکه بخواهد آنرا حصول کند.^۵

مهر مؤجل :

جمهور فقهاء (احناف، شافعیه، حنبله) به این نظر اند که مهر به طور مؤجل (مهلت دار) مطلقا جواز دارد یعنی تمام آن و یا جزء آن می تواند تا یک زمان معین پرداخت آن به طور مهلت به تأخیر بیافتد.^۶

مهر مؤجل آن است که برای مدتی معین شود و در مهری که ذکر معجل و مؤجل آن نباشد عرف در آن اعتبار دارد. هر اندازه و حدی که در عرف، اول، داده می شود همان قدر آن مهر

۱- حقوق فامیل (فقه احوال شخصی) صفحه ۱۹۰ تحقیق و نگارش پوهنمل عبدالقادر نایل، ناشر انتشارات حامد رسالت - کابل، چاپ

مطبعة الفاروق نوبت چاپ اول ۱۳۹۴ ه.ش

۲- مهر و نفقه صفحه ۹ نویسنده عبدالصیر شیخ احمدی، چاپ مطبعة افغان مارک - کابل، افغانستان سال چاپ، پنجم عقرب ۱۳۹۵ ه.ش
نوامبر ۲۰۱۶ - م

۳- فتاوی دارالعلوم دیوبند، جلد ۸ صفحه ۱۶۸ نویسنده حضرت مفتی عزیز الرحمن (رح) مترجم مولوی محمد انور صاحب.

۴- مهر و نفقه صفحه ۱۷

۵- فتاوی دارالعلوم دیوبند، جلد ۸ صفحه ۱۷۹

۶- مهر و نفقه صفحه ۱۷

معجل بوده و باقی مؤجل می باشد در عالمگیری آمده که اگر برای مؤجل وقتی تعین ن‌گردد وقت ادای آن هنگام طلاق است یا هنگام مرگ.^۱

مطلب سوم - نگاهی به جایگاه نکاح و ازدواج :

نزدیک شدن مرد و زن یا شوهر و همسر شدن زیر عنوان ازدواج مطابق اصول اسلام واقعا نقطه عطف و یک امر محوری در زندگی می باشد و بیشتر عمق مهم بودن و قابل ملاحظه بودن آنرا ازین می دانیم که خداوند کریم از دادن همسران و فرزندان برای پیغمبران خود یادآوری نموده، حتما این مسئله ارزشمند، عمده و فرخنده بوده که تا این سطح زیر بحث قرآن قرار گرفته است. {وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلًا مِّن قَبْلِكَ وَجَعَلْنَا لَهُمْ أَزْوَاجًا وَذُرِّيَّةً...} ^۲

ترجمه : (بر خیه‌ها داشتن زنان و فرزندان را بر تو عیب می گیرند) و ما پیش از تو پیغمبرانی را روانه کرده ایم و زنان و فرزندان بدیشان داده ایم . (پیغمبران، جملگی انسان بوده اند و بنا به سرشت انسانی، خورده اند و خفته اند و با مردم رفت و آمد داشته و معامله کرده و ازدواج نموده اند)

خانم ها جفت ها و همسران شوهران اند.

{وَاللّٰهُ جَعَلَ لَكُم مِّنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا...} ^۳

ترجمه : خدا از جنس خود تان همسرانی برای شما ساخت.

{وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِّنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا...} ^۴

ترجمه : و یکی از نشانه های (دالّ بر قدرت و عظمت) خدا، این است که از جنس خود تان همسرانی را برای شما آفرید.

^۱ - فتاوی دارالعلوم دیوبند، جلد ۸ صفحه ۶۸

^۲ - سوره رعد، آیه ۳۸

^۳ - سوره نحل، آیه ۷۲

^۴ - سوره روم، آیه ۲۱

همسران مرجع سکون برای شوهران می باشند.

{ وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً ... }^۱

ترجمه: و یکی از نشانه های (دال بر قدرت و عظمت) خدا، این است که از جنس خود تان همسرانی را برای شما آفرید تا در کنار آنان (در پرتو جاذبه و کشش قلبی) بیارامید، و در میان شما و ایشان مهر و محبت انداخت (و هریک را شیفته و دلباخته دیگری ساخت، تا با آرامش و آسایش، مایه شگوفائی و پرورش شخصیت همدیگر شوید، و پیوند زندگی انسانها و تعادل جسمانی و روحانی آنها بر قرار و محفوظ باشد)

رسول اکرم صلی الله علیه وسلم، نکاح را از سنن مرسلین و هم از سنت خود معرفی نموده اند.
« عَنْ أَبِي أَيُّوبَ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَرْبَعٌ مِنْ سُنَنِ الْمُرْسَلِينَ: الْحَيَاءُ وَالتَّعَطُّرُ، وَالسَّوَاكُ وَالنِّكَاحُ »^۲

ترجمه: از ابی ایوب روایت است که رسول اکرم صلی الله علیه وسلم فرمودند: چارچیز از سنت پیامبران است. حیاء و استعمال خوشبوئی و مسواک و نکاح.

« مَنْ أَحَبَّ فِطْرَتِي فَلَيْسَتْ بِسُنَّتِي وَمِنْ سُنَّتِي النِّكَاحُ »^۳

ترجمه: کسی که اخلاق و سرشتم را دوست دارد باید به سنت من عمل نماید و از شمار سنت هایم یکی هم نکاح است.

« فَمَنْ رَغِبَ عَنْ سُنَّتِي فَلَيْسَ مِنِّي »^۴

ترجمه: پس هرکسی که از سنت من عدول نماید از من نمی باشد.

« مَنْ كَانَ مُوسِرًا فَلَمْ يَنْكِحْ فَلَيْسَ مِنِّي »^۵

^۱ - سوره روم، آیه ۲۱

^۲ - جامع الترمذی، حدیث شماره ۱۰۸۰ کتاب النکاح، باب: ما جاء فی فضل التزویج والحث علیه

^۳ - شعب الایمان، شماره ۵۴۸۱

^۴ - شعب الایمان، شماره ۵۴۸۰

^۵ - شعب الایمان، شماره ۵۴۸۳

ترجمه: هر کسی که ثروتمند باشد و نکاح ننماید از من نیست.

البته منظور از مَوسِر شخصی است که توانگر و مرفه باشد بحدی که استعداد ازدواج و نکاح را از حیث پرداخت مهر و نفقه و تأمین مایحتاج معیشتی داشته باشد چنین شخص بایست حتماً مرحله نکاح و ازدواج را طی نماید.

در حدیث شریف، مکانّت زن صالحه در برابر مرد مؤمن چنین آمده است:

« عَنْ أَبِي أُمَامَةَ، عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَّهُ كَانَ يَقُولُ: مَا اسْتَفَادَ الْمُؤْمِنُ بَعْدَ تَقْوَى اللَّهِ خَيْرًا لَهُ مِنْ زَوْجَةٍ صَالِحَةٍ إِلَّا أَمَرَهَا أَطَاعَتْهُ وَإِنْ نَظَرَ إِلَيْهَا سَرَتْهُ وَإِنْ أَقْسَمَ عَلَيْهَا أَبْرَتْهُ وَإِنْ غَابَ عَنْهَا نَصَحَتْهُ فِي نَفْسِهَا وَمَالِهَا »^۱

ترجمه: از ابوامامه رضی الله عنه روایت است که رسول اکرم صلی الله علیه وسلم فرمودند: بعد از پرهیزگاری و تقوای خدا، مرد مؤمن هیچ چیزی را بهتر از زن صالح و درستکار، بدست نیاورده است، زیرا هرگاه برایش دستور دهد اطاعت می کند، هرگاه نگاهش می کند مسرور و شادمان می گردد و اگر به انجام کاری او را سوگند داد، اجراء می کند و چون از وی غایب شود ناموس و مالش را حفظ می کند.

بلی موجودیت زن صالحه و نیکوکار در دودمان مرد مسلمان، از لحاظ ارزش و اهمیت تا آنجا قابل ملاحظه و در خور توجه است که حیثیت زن صالحه بر بنیاد استفاده نیکو برای مرد مؤمن، پشت سر تقوای واقع شده و پیدا و عیان است که تقوای محکّ تفوق و برتری از نظر اسلام است پس زمانیکه مفید ترین جریان برای مرد مسلمان بعد از تقوی، زن نیکوکار گفته شده مُسَلِّمًا نقش و ماهیت زوجه نیک کردار بسی حساس و اساسی و ارزشمند خواهد بود.

به همین سلسله باید افزون داشت که بهترین بهره مندی و منبع خوب نفع یابی، نیز زن صالحه معرفی شده است.

^۱ سنن ابن ماجه، حدیث شماره ۱۸۵۷ کتاب النکاح، باب: افضل النساء -

« عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرٍو أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ أَلَدُنْيَا مَتَاعٌ وَخَيْرُ مَتَاعِ الدُّنْيَا الْمَرْأَةُ الصَّالِحَةُ »^۱

ترجمه: از عبد الله ابن عمرو روایت است که رسول کریم صلی الله علیه وسلم فرمودند:

همه مظاهر دنیا مایه تمتع و بهره مندی بوده و بهترین متاع آن زن پاک و پرهیزگار است.

« عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرٍو أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ إِنَّمَا الدُّنْيَا مَتَاعٌ وَلَيْسَ مِنَ مَتَاعِ الدُّنْيَا شَيْءٌ أَفْضَلُ مِنَ الْمَرْأَةِ الصَّالِحَةِ »^۲

ترجمه: از عبدالله بن عمرو رضی الله عنه روایت است که رسول اکرم صلی الله علیه وسلم فرمودند: دنیا جز تمتع و بهره گیری نیست و در همه بهره مندی ها و تمتعات دنیا بالا تر از زن نیکوکار، چیزی وجود ندارد.

هكذا عطای زن صالحه برای مرد، بمثابة اعانت در مورد نصف دینش معرفی شده است.

« مَنْ رَزَقَهُ اللَّهُ امْرَأَةً صَالِحَةً فَقَدْ أَعَانَهُ عَلَى شَطْرِ دِينِهِ فَلْيَتَّقِ اللَّهَ فِي الشَّطْرِ الْبَاقِي »^۳

ترجمه: هر کس که خداوند زن صالحی را روزی او کرده است او را نسبت به نیمه ای دینش یاری کرده است، پس در باره نیمه دوم از خداوند پروا کند.

« عَنْ ثَوْبَانَ قَالَ لَمَّا أُنْزِلَتْ { الَّذِينَ يَكْتُمُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يَنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ } [التوبة ۳۴] قَالَ: كُنَّا مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي بَعْضِ أَصْفَارِهِ . فَقَالَ: بَعْضُ أَصْحَابِهِ قَدْ نَزَلَ فِي الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ مَا نَزَلَ، فَلَوْ أَنَا عَلِمْنَا أَيُّ الْمَالِ خَيْرٌ اتَّخَذْنَاهُ قَالَ: أَفْضَلُهُ لِسَانًا ذَاكِرًا وَقَلْبًا شَاكِرًا وَزَوْجَةً مُؤْمِنَةً تُعِينُهُ عَلَى إِيْمَانِهِ »^۴

ترجمه: ثوبان رضی الله عنه روایت کرده است که وقتی آیه { وَالَّذِينَ يَكْتُمُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يَنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ } نازل شد ما در یک سفر با رسول خدا صلی الله علیه وسلم بودیم یکی از یاران گفت درباره ای طلا و نقره نازل شد آن چه نازل شد، ای کاش می دانستیم چه

^۱ - صحیح المسلم، حدیث شماره ۱۴۶۷ کتاب الرضاع باب خیر متاع الدنیا المرأة الصالحة

^۲ - سنن ابن ماجه، حدیث شماره ۱۸۵۵ کتاب النکاح، باب افضل النساء

^۳ - شعب الایمان، شماره ۵۴۸۹

^۴ - مسند الامام احمد بن حنبل، شماره ۲۲۴۵۵ جلد ۵ صفحه ۳۲۷

مالی خوب است آن را می گرفتیم پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمود: بهترین مال و سرمایه، زبانی ذاکر، قلبی شاکر و خانمی مؤمن است که شوهرش را در راه ایمانش یاری دهد. خانم صالحه نقشی را در خانه مرد ایفا مینماید که حضور او در فامیل نشانه خوشبختی و نیکبختی انسان وانمود شده است.

«مِنْ سَعَادَةِ ابْنِ آدَمَ ثَلَاثَةٌ وَمِنْ شَقْوَةِ ابْنِ آدَمَ ثَلَاثَةٌ مِنْ سَعَادَةِ ابْنِ آدَمَ الْمَرْأَةُ الصَّالِحَةُ وَالْمَسْكِنُ الصَّالِحُ وَالْمَرْكَبُ الصَّالِحُ وَمِنْ شَقْوَةِ ابْنِ آدَمَ الْمَرْأَةُ السُّوءُ وَالْمَسْكِنُ السُّوءُ وَالْمَرْكَبُ السُّوءُ»^۱

ترجمه: سه چیز از نشانه های خوشبختی انسان و سه چیز از نشانه های بدبختی او هستند از نشانه های خوشبختی انسان، زن نیکو کار، منزل خوب و وسیله سواری خوب است و از نشانه های بدبختی انسان، زن بد، منزل بد و وسیله سواری بد است.

واقعا موهبت زنان و همسران به انبیا علیهم السلام امرعمده و قابل ملاحظه بوده که قرآن کریم آنرا اخبار نموده همچنان مطابق صراحت حدیث شریف، نکاح، سنن مرسلین بوده است، که این دو امر دلالت به شأن و شوکت نکاح و ازدواج دارد.

همچنان طبق صراحت آیات قرآن کریم، زن، جفت مرد بوده و منبع سکون برای اوست، و همانگونه که در حدیث شریف آمده، زوجه نیکو مفید ترین نقطه عطف بعد از تقوا برای شوهرش است و هم خوبترین متاع دنیا و معین به دیانت و ایمان داری شوهر معرفی گردیده است.

این همه مزیت و کیفیت برای مرد و زن طی برنامه نکاح میسر می شود و چون نکاح یک برنامه نیک و مبارک است پس فروع و مکملات آن نیز شایان تحسین و سزاوار تطبیق است.

متکی به مفاد فوق، مهر یکی از متعلقات نکاح و یک امر مهم، حساس و مشحون از حکمت ها و فوائد بوده و امتیازی برای زنان است لکن آگاهی عامه نسبت به تعریف، حکم، ابعاد، پیامد ها و نتایج پربار آن اندک بوده و به همانگونه که در سایر بخش های مراسم ازدواج و عروسی،

^۱ - مسند الامام احمد بن حنبل شماره ۱۴۴۹ جلد اول، صفحه ۲۱۳

رسم و رواجها و ناهمگونیها و ناهنجاریهای مختلفی نفوذ کرده، موضوع مهر هم دستخوش دگرگونیها شده و مردم هر منطقه به خواهشها و دواعی نفسانی خویش گونه ها و روشهای تصنعی خود را در قسمت انتخاب مهر به تعامل می کشانند احیاناً در مراسم عروسی از مهر نام برده می شود لکن موضوع در قالب جملات و عبارات محصور می ماند، مبلغ و ارقام مطرح می شود اما تأدیه آن به تحقق نمی رسد، برخی ها در طلب مهر به سطحی افراط و غلو می نمایند که پرداخت آن از توان و امکانات جانب مقابل بالا بوده و ادای آن صعوبت آفرین تمام می شود و یا چنین واقع می شود که مهر در یک سطح بالا مطالبه و پرداخته می شود لکن از طرف اشخاص مغرض و فرصت طلب دستبرد شده و جز اندکی از آن نمودار نخواهد شد و یا برخی اوقات بگونه ای منسوب می گردد که دختر هرگز اثر آنرا نمی بیند.

گاهی حین طلب مهر از چیزهای نام برده می شود که مال متقوم گفته نمی شود همچنان پای بحث های مطول و لا یعنی و خالی از ثواب و عاری از مفهوم را به مجلس می آورند که جز ضیاع وقت چیزی بیش نمی باشد، استعداد و طاقت های مالی و اقتصادی پرداخت کننده مهر در نظر گرفته نمی شود و حتی در بعضی مناطق از ولی و یا پدر ناکح مجموعه سهم مالی همین پسر را از دارائی پدری اش می پرسند و می خواهند تا تمام آن در بدل مهر به خانم او داده شود پس واضح است که با چنین سلیقه ها و روشها عمل کردن به روش ایسر و ساده و میلان بسوی فضایل در حصه مهر، کمیاب خواهد بود.

بناء از مسئولیت های خطیر و سترگ نویسندگان فرهیخته و دانشمندان وارسته مسلمان این است که با مراجعه به نصوص و مصادر دینی و باتوجه به تحقیقات و مختارات مجتهدین و علمای علام جهان اسلام حقایق را در همه ابواب، به اشراب مردم آماده و ارائه بدارند که از همین شمار یکی هم موضوع مهر است.

اینک می خواهیم روی جایگاه، حکمت، فواید و پهلوهایی مفید مهر تا آنجا که مقدور بضاعت علمی ما باشد به تشریح مسئله پردازیم .

مبحث دوم مهر از دیدگاه قرآن و سنت

مطلب اول : مهر در قرآن کریم :

{وَأَتُوا النِّسَاءَ صَدُقَاتِهِنَّ نِحْلَةً فَإِنْ طِبَّنَ لَكُمْ عَنْ شَيْءٍ مِنْهُ نَفْسًا فَكُلُوهُ هَنِيئًا مَرِيئًا }^۱

ترجمه: و مهریه های زنان را به عنوان هدیه ای خالصانه و فریضه ای خدایانه بپردازید. پس اگر با رضایت خاطر چیزی از مهریه خود را به شما بخشیدند، آن را (دریافت دارید و) حلال و گوارا مصرف کنید.

این آیه مبارکه شوهران را مأمور کرده است تا مهر زنان شان را با طیب نفس پرداخت نمایند. تفسیر معارف القرآن نوشته است:

مخاطب این دستور شوهر هم است که او مهریه همسر خود را به خود او بدهد و بدیگران ندهد و اولیای دختران نیز مخاطب هستند که اگر آنان مهریه دختران را دریافت کرده اند آنرا بخود شان بدهند، بدون اجازه آنها در آن هیچگونه تصرفی نه نمایند.

خلاصه اینکه در آیه چنین تعلیم داده شده که مهریه زنان حق واجب آنهاست و اداء آن لازم و ضروری است و همچنان که ادای حقوق دیگران با طیب خاطر ضروری است ادای مهریه نیز همینگونه است.^۲

در آیه واژه صدقات به کار رفته است که جمع صدقه به فتح صاد و ضم دال است، صدقه و صداق به مهریه زنان اطلاق می شود.

^۱ - سورة نسا آیه ۴

^۲ - تفسیر معارف القرآن، جلد ۳ صفحه ۳۶۵ مؤلف مفتی محمد شفیع عثمانی، مترجم، محمد یوسف حسین پور، چاپ هفتم تابستان

ملا علی قاری رحمه الله در مرقاة شرح مشکوٰۃ می نویسد :

(وسمى به لانه يظهر به صدق ميل الرجل الى المرأة) یعنی به مهریه صدقه و صدق از آن جهت می گویند که معنی صداقت در این ماده وجود دارد و چون از مهریه تمایل صادقانه شوهر به سوی زن ظاهر می گردد به آن صدق می گویند.^۱

{ وَأُحِلَّ لَكُمْ مَا وَرَاءَ ذَلِكَ أَنْ تَبْتَغُوا بِأَمْوَالِكُمْ مُحْصِنِينَ غَيْرَ مُسَافِحِينَ فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا تَرَاضَيْتُمْ بِهِ مِنْ بَعْدِ الْفَرِيضَةِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا }^۲

ترجمه : برای شما ازدواج با زنان دیگری جز اینان (یعنی جز زنان مؤمن حرام) حلال گشته است و می توانید با اموال خود (از راه شرعی) زانی را جویا شوید و با ایشان ازدواج کنید بدان شرط که منظورتان زنا و دوست بازی نباشد و) پاکدامن و از زنا خویشتندار باشید.

پس اگر با زنی از زنان ازدواج کردید و از او کام گرفتید، باید که مهریه ی او را (چنان که مقرر است بدون کم و کاست و در موعد خود) پردازید، و این واجبی (از واجبات الهی) است و بعد از تعیین مهریه ، گناهی بر شما نیست در آنچه میان خود بر آن توافق می نمائید) مثلاً این که همسر با رضا و رغبت از مقداری از مهریه ی خود چشم پوشی کند و یا شوهر مشتاقانه مقداری بر اندازه ی مهریه بيفزايد (بیگمان خداوند (پیوسته بر مصالح بندگان خود) آگاه (و در احکامی که برای آنان وضع می نماید) حکیم بوده (و می باشد)

{ فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً }

یعنی بعد از نکاح از زانی که شما استمتاع کردید مهریه آنان را پردازید زیرا ادای مهریه بر شما فرض است در این آیه مراد از استمتاع همخوابی با زن و نزدیکی با وی است و اگر تنها نکاح بدون زفاف باشد و فرصتی برای استمتاع شوهر میسر نشود و احیاناً زن را پیش از آن طلاق دهد فقط نصف مهریه بر او واجب می شود و اگر فرصتی برای استمتاع پیش آمد کل مهریه بر او

^۱ - تفسیر معارف القرآن، جلد ۳ صفحه ۳۶۸

^۲ - سورة نساء آیه ۲۴

واجب می گردد، این آیه خاطر نشان کرده که به محض نکاح و استمتاع با زن، ادای مهریه بر مرد واجب می گردد و قصور در ادای آن علاوه بر اینکه مغایر با غیرت انسانی است گناهی بس عظیم به شمار می آید البته شریعت به زن هم این اختیار را داده است که اگر مهر مُعَجَّل باشد می تواند تا حصول کردن مهر از شوهر تمکین نکند.^۱

{ وَإِنْ أَرَدْتُمْ اسْتِبْدَالَ زَوْجٍ مَكَانَ زَوْجٍ وَآتَيْتُمْ إِحْدَاهُنَّ قِنْطَارًا فَلَا تَأْخُذُوا مِنْهُ شَيْئًا أَتَأْخُذُونَهُ بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُبِينًا }^۲

ترجمه: و اگر خواستید همسری را به جای همسری برگزینید، هر چند مال فراوانی هم مهر یکی از آنان کرده باشید، برای شما درست نیست که چیزی از آن مال دریافت دارید. آیا با بهتان و گناه آشکار آن را دریافت می دارید؟! (مگر مؤمنان را چنین کاری سزد؟!)

قِنْطَارًا: مال فراوان. مراد مهریه زیاد است.^۳

{ لَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِنْ طَلَقْتُمُ النِّسَاءَ مَا لَمْ تَمْسُوهُنَّ أَوْ تَفْرِضُوا لَهُنَّ فَرِيضَةً ... }^۴

ترجمه: اگر زنان را قبل از آمیزش جنسی و تعیین مهر (به علی) طلاق دهید، گناهی بر شما نیست.

{ وَإِنْ طَلَقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمْسُوهُنَّ وَقَدْ فَرَضْتُمْ لَهُنَّ فَرِيضَةً فَنِصْفُ مَا فَرَضْتُمْ ... }^۵

ترجمه: و اگر زنان را پیش از آن که با آنان تماس بگیرید (و آمیزش جنسی بنمائید) طلاق دادید، در حالی که مهریه ای برای آنان تعیین نموده اید (لازم است) نصف آنچه را که تعیین کرده اید (به آنان بدهید)

{ فَأَنْكِحُوهُنَّ بِأَذْنِ أَهْلِهِنَّ وَآتُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ }^۶

^۱ - تفسیر معارف القرآن، جلد سوم صفحه ۴۵۲

^۲ - سوره نسا آیه ۲۰

^۳ - تفسیر نور، صفحه ۱۴۷ تألیف دکتر مصطفی خرم دل، ناشر: نشر احسان چاپ دهم سال ۱۳۹۳ هـ ش چاپخانه اسوه.

^۴ - سوره بقره آیه ۲۳۶

^۵ - سوره بقره، آیه ۲۳۷

^۶ - سوره نساء آیه ۲۵

ترجمه: لذا با اجازه ی صاحبان آنان با ایشان ازدواج کرده و مهریه ی ایشان را زیبا و پسندیده و برابر عرف و عادت (به تمام و کمال) بپردازید.

{ وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ أَنْ تَنْكِحُوهُنَّ إِذَا آتَيْتُمُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ... }^۱

ترجمه: گناهی بر شما نخواهد بود اگر چنین زنانی را به ازدواج خود درآورید و مهریه ی ایشان را بپردازید.

أَجُورَ: جمع أجر، به معنی مهریه^۲

مطلب دوم - مهر در سنت:

« عَنْ سُفْيَانَ عَنْ أَبِي حَازِمٍ عَنْ سَهْلِ بْنِ سَعْدٍ أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ لِرَجُلٍ تَزَوَّجَ وَلَوْ بِخَاتَمٍ مِنْ حَدِيدٍ »^۳

ترجمه: از سفیان، از ابو حازم روایت است که سهل بن سعد گفت: پیامبر صلی الله علیه وسلم به مردی گفت: ازدواج کن، هر چند (به مهر) انگشتری آهنین باشد.

« عَنْ سَهْلِ بْنِ سَعْدٍ أَنَّ امْرَأَةً جَاءَتْ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَتْ يَا رَسُولَ اللَّهِ جِئْتُ لَأَهَبَ لَكَ نَفْسِي فَنَظَرَ إِلَيْهَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَصَعَّدَ النَّظَرَ فِيهَا وَصَوَّبَهُ ثُمَّ طَأْطَأَ رَأْسَهُ فَلَمَّا رَأَتْ الْمَرْأَةُ أَنَّهَا لَمْ يَقْضَ فِيهَا شَيْئًا جَلَسَتْ فَقَامَ رَجُلٌ مِنْ أَصْحَابِهِ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّ لَمْ يَكُنْ لَكَ بِهَا حَاجَةٌ فَزَوِّجْنِيهَا فَقَالَ هَلْ عِنْدَكَ مِنْ شَيْءٍ فَقَالَ لَا وَاللَّهِ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ أَذْهَبَ إِلَى أَهْلِكَ فَانْظُرْ هَلْ تَجِدُ شَيْئًا فَذَهَبَ ثُمَّ رَجَعَ فَقَالَ لَا وَاللَّهِ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا وَجَدْتُ شَيْئًا قَالَ انْظُرْ وَلَوْ خَاتَمًا مِنْ حَدِيدٍ فَذَهَبَ ثُمَّ رَجَعَ فَقَالَ لَا وَاللَّهِ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَلَا خَاتَمًا مِنْ حَدِيدٍ وَلَكِنْ هَذَا إِزَارِي (قَالَ سَهْلٌ مَا لَهُ رِذَاءٌ) فَلَهَا نِصْفُهُ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَا تَصْنَعُ بِإِزَارِكَ إِنْ لَبِستَهُ لَمْ يَكُنْ عَلَيْهَا مِنْهُ شَيْءٌ وَإِنْ لَبِستَهُ لَمْ يَكُنْ عَلَيْكَ شَيْءٌ فَجَلَسَ الرَّجُلُ حَتَّى إِذَا طَالَ مَجْلِسُهُ ثُمَّ قَامَ فَرَأَاهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مُوَلِّيًا فَأَمَرَ بِهِ فَدُعِيَ فَلَمَّا جَاءَ قَالَ مَاذَا مَعَكَ مِنَ الْقُرْآنِ

۱ - سورة ممتحنه، آیه ۱۰

۲ - تفسیر نور صفحه ۱۱۷۶

۳ - صحیح البخاری، حدیث شماره ۵۱۵۰ کتاب النکاح، باب: المهر بالعروض وخاتم من حدید

قَالَ مَعِيَ سُورَةٌ كَذًا وَسُورَةٌ كَذًا عَدَّهَا قَالَ أَتَقْرَأُ عَنْ ظَهْرِ قَلْبِكَ قَالَ نَعَمْ قَالَ أَذْهَبَ فَقَدْ مَلَكَتْكِهَا بِمَا مَلَكَ مِنَ الْقُرْآنِ^۱

ترجمه: سهل بن سعد گفت: زنی نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم آمد و گفت یا رسول الله آمدم تا نفس خود را بتو ببخشم. رسول الله صلی الله علیه وسلم به سوی وی نگریست و نظر خود را بلند کرد و فرود آورد و سپس سر خود را پائین افکند. آن زن چون دید که آن حضرت در باره وی تصمیم نگرفت، در آنجا نشست. مردی از یاران آن حضرت صلی الله علیه وسلم برخاست و گفت: یا رسول الله اگر ترا به این زن نیازی نیست او را به ازدواج من در آور. آن حضرت فرمود: آیا چیزی (برای مهر) داری؟ گفت: نی به خدا، یا رسول الله فرمود: به خانه ات برو بین که آیا چیزی یافته می توانی آنمرد رفت و سپس بازگشت و گفت نی به خدا یا رسول الله، هیچ چیزی نیافتم. آن حضرت فرمود: بین اگر انگشتی از آهن باشد. وی رفت و سپس بازگشت و گفت نی به خدا یا رسول الله. و نی انگشتی از آهن موجود است ولی همین ازار من است سهل (راوی) گفت: آنمرد ازاری (دیگر) نداشت، نیمه ازار خود را به آن زن داد. رسول الله صلی الله علیه وسلم گفت: «وی به ازار تو چه می تواند کرد. اگر تو آنرا بپوشی چیزی از آن نمی ماند که وی بر خود بپوشد و اگر وی آنرا بپوشد بر تو چیزی نمی ماند» آنمرد نشست تا آنکه نشستن وی بدرازا کشید سپس برخاست و رسول الله صلی الله علیه وسلم او را دید که پشت گردانیده (راهی است) او را فرمود که بیاید چون آمد از وی پرسید «از قرآن چه مقدار فرا گرفته ای؟» گفت: سوره چنین و سوره چنان و سوره چنان را، آن سوره هارا شمرد. آن حضرت فرمود «آیا آنها را از حفظ می خوانی» گفت: آری. فرمود: همانا وی را به ملکیت (ازدواج) تو در آوردم به آنچه از قرآن فرا گرفته ای.

^۱ - صحیح البخاری حدیث شماره ۵۰۳۰ کتاب فضایل القرآن باب: القراءة عن ظهر القلب

اساس مهریه (آنچه هنگام ازدواج، مرد به زن عطاء می کند) با قرآن و سنت و اجماع ثابت شده است و عمل بدان مسجل گردیده است و امت اسلامی از خواص و عوام بدان آشنایی دارد.^۱

مهر یک واجب شرعی است که در ابتداء امر به طور حتمی در مقابل عقد بر مرد واجب می گردد و هیچ کس حتی خود زن هم نمی تواند که آن را نفی نماید و یا بر اسقاط آن در زمان بستن عقد نکاح شرط نماید. بعد از ایجاد مهر فقط زن حق تصرف و اعمال قدرت در آنرا دارد نه غیر. و دیگر اینکه زن می تواند تا دریافت کامل مهر خود، از مقاربت با شوهرش خود داری نماید.^۲

واضح و هویدا است که متکی به آیات کریمه و احادیث شریفه، وضع مهر از سوی شریعت در نکاح، مکانث مهم و قابل ملاحظه ای یافته و نهاده شده است.

مطلب سوم - مقدار مهر :

(لیس للمهر حد اقصى بالاتفاق لانه لم یرد فی الشرع ما یدل علی تحدیده بحد اعلی)^۳

یعنی حد اکثر مهر تعیین نیست زیرا در شریعت مبنی بر محدودیت کثرت مهر، استنادی نیامده است.

علمای امت اتفاق نموده اند که حد اکثر مهر غیر متعین می باشد.

قرآن کریم فرموده است:

{ وَإِنْ أَرَدْتُمْ اسْتِبْدَالَ زَوْجٍ مَّكَانَ زَوْجٍ وَآتَيْتُمْ إِحْدَاهُنَّ قِطَارًا فَلَا تَأْخُذُوا مِنْهُ شَيْئًا أَتَأْخُذُونَهُ بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُبِينًا }^۴

^۱ - دیدگاههای فقهی معاصر، صفحه ۲۳ جلد سوم مؤلف دکتر یوسف قرضاوی مترجم دکتر احمد نعمتی ناشر- نشر احسان، نوبت چاپ اول

۱۳۸۴ چاپ، چاپخانه مهارت

^۲ - مهر و نفقه صفحه ۳۷

^۳ - الفقه الاسلامی و ادلته، جلد ۹ صفحه ۶۷۶۲ تألیف دوکتور وهبه زحیلی، ناشر: نشر احسان، تهران الطبعة الاولى ۱۴۲۷- ق - ۲۰۰۶ م

^۴ - سورة نسا آیه ۲۰

ترجمه: و اگر خواستید همسری را به جای همسری برگزینید، هر چند مال فراوانی هم مهر یکی از آنان کرده باشید، برای شما درست نیست که چیزی از آن مال دریافت دارید. آیا با بهتان و گناه آشکار، آن را دریافت می دارید؟! (مگر مؤمنان را چنین کاری سزد؟!)

قَطَّاراً: مال فراوان. مراد مهریه زیاد است.^۱

حضرت عمر رضی الله عنه در خطبه ای بمردم گفت: مهریه زنان را از چهل اوقیه بیشتر نکنید و اگر بیشتر کنید بقیه را به بیت المال خواهم داد، زنی اعتراض کرد و گفت تو حق نداری چنین کنی. عمر رضی الله عنه، گفت چرا؟ زن گفت: به خاطر اینکه خداوند فرموده است:

{وَأَتَيْتُمُ إِحْدَاهُنَّ قِطَارًا فَلَا تَأْخُذُوا مِنْهُ شَيْئًا أَتَأْخُذُونَهُ بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُبِينًا }^۲

و مال فراوانی (به عنوان مهر به او پرداخته اید چیزی از آن را پس نگیرید آیا باز پس گرفتن مهر آنان به تهمت و گناه آشکار متوسل می شوید). (مگر مؤمنان را چنین کاری سزد؟)

آنگاه عمر رضی الله عنه، گفت: زنی درست گفت و مردی خطا نمود و در روایتی آمده است که گفت: بار الها! مرا ببخش و افزود: همه از عمر فقیه تر هستند سپس بر منبر رفت و گفت ای مردم! من شما را از افزایش مهریه ها منع کرده بودم ولی اکنون اعلان می کنم که هر کس به هر اندازه ای که می تواند و توافق می کند مهریه بدهد و هیچ محدودیتی نیست.^۳

همه فقهای مذاهب اربعه متفق اند که مهر حد اکثر ندارد اما در مورد حد اقل مهر اختلاف نظر دارند نزد احناف و مالکیه برای مهر حد اقل وجود دارد.^۴

همچنان رساله مهر و نفقه حد اقل مهر را به نزد احناف ده درهم یا معادل آن نوشته است.^۵

۱- تفسیرنور، صفحه ۱۴۷

۲- سوره نساء، آیه ۲۰

۳- سلسله خلفای راشدین، جلد دوم بررسی و تجزیه و تحلیل زندگانی خلیفه دوم عمر بن خطاب رضی الله عنه، صفحه ۲۰۰-۲۰۱ مؤلف

دکترعلی صلابی، مترجم عبدالله ریگی چاپ اول سال ۱۳۸۸ هـ- ش

۴- مهر و نفقه صفحه ۴

۵- مهر و نفقه صفحه ۴

کمترین مقدار مهر ده درهم است که مقدار وزنی آن با ۳۵ سی و پنج گرام نقره می رسد یا این بهای آن طبق اعتبار قیمت رایج الوقت است.^۱

در مورد حد اقل مهر نزد فقهای کرام اختلاف نظر موجود است این نظریه و دیدگاه هم نزد برخی از مجتهدین است که برای مقدار حد اقل مهر حدی معین نبوده و هر چیزیکه اطلاق مال بالایش شود و در مفهوم مال ادخال داشته باشد می تواند حد اقل مهر شود.

اگر عقد ازدواج من حیث یک عقد صحیح به اتمام رسیده باشد و مهر در زمان عقد بطور معتبر و بایسته اش مُسمی و معین شده باشد و سپس میان زوجین قبل از قرابت یا آمیزش حقیقی و حکمی از جانب زوج فرقت واقع گردد زن نصف مهریه مذکور را مستحق شده می تواند.

{ وَإِنْ طَلَّقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمْسُوهُنَّ وَقَدْ فَرَضْتُمْ لَهُنَّ فَرِيضَةً فَنِصْفُ مَا فَرَضْتُمْ... }^۲

ترجمه : و اگر زنان را پیش از آن که با آنان تماس بگیرید (و آمیزش جنسی بنمائید) طلاق دادید، در حالی که مهریه ای برای آنان تعیین نموده اید (لازم است) نصف آنچه را که تعیین کرده اید (به آنان بدهید)

^۱ - فتاوی حقانیه جلد چهارم صفحه ۴۴۲

^۲ - سوره بقره، آیه ۲۳۷

مبحث سوم

مکان، حکمت ها، فواید و تخفیف درمهر

مطلب اول - حق مهر، موضوع خرید و فروش نیست :

اگر کدام جریانی هدیانه و اراجینی را سر دهد و مهریه را بهای زن در مقابل کسب بهره جوئی و کامروائی مرد بدانند باید در نظر داشت که با توجه به ارشادات اسلامی و حکمت های که درین باب گفته شده ابطال نظریه آنها بخوبی برملا می شود.

نخست باید گفت که در مورد مهریه، قرآن کریم چنین فرموده است:

{وَأَتُوا النِّسَاءَ صَدُقَاتِهِنَّ نِحْلَةً...} ^۱

ترجمه : و مهریه های زنان را به عنوان هدیه ای خالصانه و فریضه ای خدایانه بپردازید.

از آنجا که نحلّه معنای عطا، هدیه و هبه را میدهد موضوع قیمت و بها منتفی می شود و عطا و هدیه نشان می دهد که معامله خرید و فروش مطرح نبوده و مسئله، شأن و مقدار عالی ای دارد. همچنان مردانی که نکاح و ازدواج کرده اند اما قبل از معاشرت جنسی، همسر خود را طلاق داده

اند به پرداخت نصف مهریه مکلف و متعهد می باشند. قرآن کریم می فرماید :

{وَأِنْ طَلَّقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمْسُوهُنَّ وَقَدْ فَرَضْتُمْ لَهُنَّ فَرِيضَةً فَنَصِفُ مَا فَرَضْتُمْ إِلَّا أَنْ يَعْفُونَ أَوْ يَعْفُوَ الَّذِي بِيَدِهِ عَقْدَةُ الزَّكَاحِ وَأَنْ تَعْفُوا أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى وَلَا تَنْسُوا الْفَضْلَ بَيْنَكُمْ إِنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ} ^۲

^۱ - سوره نسا، آیه ۴

^۲ - سوره بقره، آیه ۲۳۷

ترجمه: و اگر زنان را پیش از آن که با آنان تماس بگیرید (آمیزش جنسی بنمائید) طلاق دادید، در حالی که مهریه ای برای آنان تعیین نموده اید، (لازم است) نصف آنچه را که تعیین کرده اید (به آنان بدهید) مگر این که آنان (حق خود را) ببخشند و یا (اگر صغیر و یا سفیه هستند، ولی آنان، یعنی) آن کس که عقد ازدواج در دست او است، آن را ببخشد، و اگر شما (مردان) گذشت کنید (و تمام مهریه را به زنان بپردازید) به پرهیزگاری نزدیکتر است، و گذشت و نیکوکاری را در میان خود فراموش نکنید. بیگمان خداوند به آنچه انجام می دهید بینا است. می بینیم پرداخت مهر، قیمتی بخاطر کامجویی نبوده است زیرا درینجا که مرد به پرداخت نصف مهر مکلفیت داده شده هنوز به مقاربت و لذت جوئی دست نیافته است.

قرآنکریم زنان و مردان را لباس همدیگر معرفی نموده است:

{ أَحِلَّ لَكُمْ لَيْلَةَ الصِّيَامِ الرَّفَثُ إِلَى نِسَائِكُمْ هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ ... }^۱

ترجمه: آمیزش و نزدیکی با همسران در شب روزه داری حلال گردیده است. آنان لباس شمایند و شما لباس آنانید (و دوری از آمیزش با یکدیگر برایتان بسی رنج آور است) به همانگونه که درمباحث قبلی مذکور است زن برای مرد مایه سکون و آرامش می باشد.

قرآن کریم ارشاد فرموده است:

{ وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً ... }^۲

ترجمه: و یکی از نشانه های (دال بر قدرت و عظمت) خدا این است که از جنس خود تان همسرانی را برای شما آفرید تا در کنار آنان (در پرتو جاذبه و کشش قلبی) بیارامید، و در میان شما و ایشان مهر و محبت انداخت (و هر یک را شیفته و دلباخته ی دیگری ساخت، تا با آرامش و آسایش، مایه ی شکوفائی و پرورش شخصیت همدیگر شوید، و پیوند زندگی انسانها و تعادل جسمانی و روحانی آنها برقرار و محفوظ باشد)

^۱ - سوره بقره، آیه ۱۸۷

^۲ - سوره روم، آیه ۲۱

متکی به دلایل فوق واضح است که بهم آمدن زن و مرد و تقرب شان تحت پیوند پاک ازدواج و نکاح، آرامش درونی، دوستی و مهربانی و عواطف و روابط با حرارتی را به میان می آورد و تمایل جنسی که از طلبات فطری هر دو جانب است نیز از همین روند متحقق می شود.

همه این دلایل و ارشادات می رساند که مهر، مسئله خرید و فروش و یا قیمت زن نیست و موضوع مهر در باب نکاح، سرشار از فواید انسانی، مصالح خانوادگی، استدامه زندگی عزتمند و با وقار و مملو از حکمت ها و اسرار مفید به تمکین مرد و زن می باشد.

بناً مهر را خرید لذت جویی خواندن، چیز سفیهانه و نا بخردانه، عاری از منطق و به دور از عدل و انصاف می باشد و هر جریانی که مهر را خرید و فروش جلوه دهد دیدگاه او یا از عداوت انبعاث نموده و یا از جهالت.

مطلب دوم - برخی حکمت ها و فضیلت تخفیف در مهر

برخی حکمت های مهر :

تعیین مهر برعهده مرد و تأدیه آن بارز کننده و مظهر ارزش و اهمیت عقد نکاح بوده و همچنین در قالب امتیاز و هدیه اعزاز، اکرام و تشریف را برای زنها در تضمّن دارد.

مهر مقدمه ای راجع به علو مرتبت و هویت و حیات زوجیت بوده و بازتاب دهنده احساسات نیک بر محور استدامه معاشرت حسنه با روحیه معروف و پسندیده و لحاظ مفهوم واقعی برنامه ازدواج است.

شریعت اسلام در جهت محافظت از حرمت و کرامت و منزلت زن و به منظور احترام و تکریم و تجلیل و تعظیم او، اعطای هدیه ای را بر مرد که بیانگر رغبت او به ازدواج با آن خانم است واجب گردانیده که از نظر شریعت (مهریه) نامیده می شود.^۱

^۱ - فهرست موضوعی آیات قرآن، صفحه ۹۹۱ گرد آوری و ترتیب داکتر محمد مصطفی محمد، ناشر خواجه عبد الله انصاری، چاپ دقت، نوبت

هدف از مهریه اظهار اهمیت عقد، ازدواج، اکرام و احترام به شخصیت زن و اظهار حسن نیت و صداقت مرد برای ازدواج با او و زمینه ای برای دوام معاشرت و زندگی زناشویی است.^۱ مهریه مقدار مالی است که پس از عقد و روابط زناشویی به زن تعلق میگیرد و حکمت و هدف از آن جلب توجه آنان به جایگاه و اهمیت پیوند زناشویی و احترام و بزرگداشت مقام زن و اظهار حُسن نیت مرد برای حُسن معاشرت با همسر و بر دوام زندگی مشترک است.^۲ رعایت اصل پرداخت مهر در جنب نمایش احترام، تقدیر و رعایت تکریم زن بیانگر آن است که زن مطلوب است و مرد او را می خواهد.

تعهد مرد مبنی بر ادای مهر رغبت، علاقه و دوستی او را نسبت به خانم تبلور بخشیده و ضمناً این امر را تقویم و تقویت می کند که ازدواج صرف خوشگذرانی و عیاشی های بی افسار و لجام گسیخته و موسمی نبوده و تنها لذت طلبی ها و کامجویی های مؤقتی نیست که با سهل انگاریها و سطحی نگریها دنبال شود.

عطای مال دلیلی بر این است که مرد در خواستن و طلب این زن جدی و قصد او دائمی است.^۳ عنوان مهر نشانه آن است که مرد قصد دارد یک زندگی تنظیم شده و سازمان یافته را علی الاستمرار به پیش ببرد.

در شریعت اسلام قوام و پایداری خانواده به دست مرد است به دلیل اینکه توان فطری مرد در کسب و کار به طور طبیعی بیشتر از زن است و در زندگی مشترک، مرد با قدرت بیشتری آن را اداره می کند بنابراین عادلانه است که مرد در مقابل این حق که به او عطا شده است غرامت بپردازد تا هر کس با کوچکترین دلیلی پیوند خانواده و همسر داری را به ملعبه و بازیچه نگیرد.^۴

^۱ - فقه خانواده در جهان معاصر، صفحه ۱۴۸

^۲ - فقه خانواده در جهان معاصر صفحه ۱۰۷

^۳ - دیدگاههای فقهی معاصر جلد ۳ صفحه ۲۴

^۴ - دیدگاههای فقهی معاصر جلد ۳ صفحه ۲۵

این نظریه به نزد علماً موجود است که چون مرد نسبت به زن بطور فطری و طبیعی توان فیزیکی بیشتری دارد و قیومیت و مدیریت هم در قبضه او قرار دارد، و با استفاده از صلاحیت و اعمال قدرت خویش می تواند از اراده و اداره خوبتری برخوردار شود بنابراین لازم است یک اندازه مالی را در برابر این حق که به او اعطاء گردیده برای زن بپردازد.

بناء مهر در جنب فرآیند های مفیدی که دارد، حفظ شأن خانواده را در اضممار داشته و بر روند وقایع ارزشهای خانوادگی و حیات فامیلی نیز ممد واقع می شود.

هکذا مهر در عالم اسباب نوعی پشتوانه مالی برای زنان بوده که عندالضرورت می توانند به اختیار خود در موارد مشروع از آن استفاده نمایند.

نگاهی به جایگاه آسان گیری و تخفیف :

نصوص قرآنی و سنت نبوی نشان می دهد که گذشت و تسامح نزد خداوند جل جلاله و رسول صلی الله علیه و سلم بهتر و پسندیده تر از فشار و سخت گیری است.

{ يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ... }^۱

ترجمه : خداوند جل جلاله آسایش شما را می خواهد و خواهان زحمت شما نیست.

{ يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُخَفِّفَ عَنْكُمْ وَخَلَقَ الْإِنْسَانَ ضَعِيفًا }^۲

ترجمه : خداوند جل جلاله می خواهد (با وضع احکام سهل و ساده) کار را بر شما آسان کند (چرا که او می داند که انسان در برابر غرائز و امیال خود ناتوان است) و انسان ضعیف آفریده شده است.

{ وَيُسِّرْكَ لِلْيُسْرَى }^۳

ترجمه : ما تو را برای شریعت ساده و آسان (آئین اسلام) آماده می سازیم (و کارهای خیری را برای تو آسان می نمائیم و در انجام آنها توفیق می دهیم)

^۱ - سوره بقره، آیه ۱۸۵

^۲ - سوره نساء، آیه ۲۸

^۳ - سوره الاعلی آیه ۸

خدا به پیامبرش فرمود (راه آسانی برایت فراهم آورده ایم) این سخن بشارت ارزنده ای است و تنها به آنحضرت صلی الله علیه وسلم اختصاص ندارد بلکه این مژده شامل همه پیروان راستین او خواهد گشت و به آنان نوید می دهد که دین شان دینی سهل و آسان، پیامبر شان رؤف و مهربان و اعتقاد شان بسیار واضح و سهل و ساده است.^۱

{ مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ ... }^۲

ترجمه : خداوند جل جلاله نمی خواهد شما را به تنگ آورد و به مشقت اندازد.

{ وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ ... }^۳

ترجمه : و در دین کارهای دشوار و سنگین را بردوش شما نگذاشته است (و بلکه تکالیف و وظائفی مقرر نموده است که با فطرت سالم هماهنگ و با توان انسانی سازگار است)
« اِنْ خَيْرٍ دِينِكُمْ اَيْسَرُهُ اِنْ خَيْرٍ دِينِكُمْ اَيْسَرُهُ »^۴

ترجمه : بهترین امر دین شما سهل و آسان ترین آن است، بهترین امر دین شما سهل و آسان ترین آن است.

{ اِنْ أَحَبُّ الْأَدْيَانِ إِلَى اللَّهِ الْحَنْفِيَّةُ السَّمْحَةُ }^۵

ترجمه : پسندیده ترین ادیان نزد خداوند جل جلاله، دینی است که از شرک بدور و باگذشت همراه باشد.

{ عَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا قَالَتْ: مَا خَيْرٌ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بَيْنَ أَمْرَيْنِ، إِلَّا اخَذَ أَيْسَرَهُمَا مَا لَمْ يَكُنْ إِثْمًا، فَإِنْ كَانَ إِثْمًا كَانَ أَبْعَدَ النَّاسِ مِنْهُ... }^۶

۱ - دایرة المعارف اخلاق قرآنی جلد سوم صفحه ۲۶ مؤلف محمد شرباصی مترجم محمد بهاء الدین حسینی ناشر زرنست نوبت چاپ اول

تابستان ۴۹

۲ - سورة مائدة، آیه ۶

۳ - سورة حج، آیه ۷۸

۴ - مسند الامام احمد بن حنبل شماره - ۱۵۹۴۲ جلد ۳ صفحه ۵۸۲

۵ - كنز العمال فی سنن الاقوال والافعال ۲۸۶ جلد ۱ صفحه ۵۲

۶ - متفق علیه، صحیح البخاری، حدیث شماره - ۳۵۶۰ کتاب المناقب، باب: صفة النبی صلی الله علیه وسلم وصحیح المسلم، حدیث شماره -

۲۳۲۷ کتاب الفضائل، باب مباحثه صلی الله علیه وسلم للأثم و اختیاره من المباح اسهله وانتقامه لله عند انتهاک حرما ته

ترجمه : از حضرت عایشه رضی الله عنها روایت شده که گفته اند : هیچ وقت نبود که پیامبر صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَسَلَّمَ درین دو چیز مخیر شود و آسان ترین آنها را انتخاب نکند مگر هنگامی که آسان ترین آنها حرام می بود که درین صورت بیشتر از هر کس از آن دوری می نمود.

« إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُحِبُّ أَنْ تُؤْتَى رَخِصَةً كَمَا يَكْرَهُ أَنْ تُؤْتَى مَعْصِيَةً »^۱

ترجمه : خداوند جل جلاله دوست دارد از رخصت ها و احکامی که برای مردم آسان تر است استفاده شود همانگونه که ناراحت است به کارهای که از آنها نهی کرده اقدام شود.

« يَسِّرُوا وَلَا تُعَسِّرُوا وَسَكِّنُوا وَلَا تُتَفَرَّوْا »^۲

ترجمه : آسان گیرید و سخت نگیرید و آرامش دهید و نگریزانید.

« عَنْ أَنَسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: يَسِّرُوا وَلَا تُعَسِّرُوا، وَبَشِّرُوا وَلَا تُتَفَرَّوْا »^۳

ترجمه : از انس رضی الله عنه روایت است که نبی کریم صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَسَلَّمَ فرمود : آسان بگیرید و سخت گیری نکنید و اطمینان خاطر دهید و گریزان نکنید.

« عَنْ أَبِي مُوسَى رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا بَعَثَ أَحَدًا مِنْ أَصْحَابِهِ فِي بَعْضِ أَمْرِهِ قَالَ بَشِّرُوا وَلَا تُتَفَرَّوْا وَيَسِّرُوا وَلَا تُعَسِّرُوا »^۴

ترجمه : از ابی موسی رضی الله عنه روایت است که هرگاه رسول خدا صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَسَلَّمَ فردی از یاران خویش را به کاری می گماشت می فرمود: مزده دهید و متنفر نکنید، آسان گیرید و سخت نگیرید.

« يَسِّرَا وَلَا تُعَسِّرَا وَبَشِّرَا وَلَا تُتَفَرَّوْا وَتَطَوَّعَا »^۵

۱- کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال شماره ۵۳۳۲ جلد ۳ صفحه ۱۷

۲- صحیح البخاری، حدیث شماره - ۶۱۲۵ کتاب الادب، باب: قول النبی صلی الله علیه و سلم یسر و لا تعسر و کان یحب التخیف و البسر علی الناس

۳- صحیح البخاری، حدیث شماره - ۶۹ کتاب العلم، باب: ما کان النبی صلی الله علیه و سلم یتخولهم بالموعظة و العلم کی لا ینفروا

۴- صحیح المسلم، حدیث شماره - ۱۷۳۲ کتاب الجهاد و السیر، باب: فی الامر بالتیسیر و ترک التفریر

۵- صحیح البخاری، حدیث شماره - ۶۱۲۴ کتاب الادب، باب: قول النبی صلی الله علیه و سلم یسر و لا تعسر و کان یحب تخفیف و البسر علی الناس

ترجمه: آسان گیرید و سخت نگیرید و مژده دهید و نگریزانید و از همدیگر اطاعت کنید. شخص مؤمن، با گذشت، آسان گیر، اهل مدارا و نرمخوست و همواره جانب سهل گرفتن و گذشت را بر جانب سخت گیری و فشار و بد خلقی ترجیح می دهد.^۱

تو با خلق سهلی کن ای نیکبخت که فردا نگیرد خدا بر تو سخت^۲
یک شخصیت مسلمان را صواب آن است که در آمیزش و اختلاط و نحوه برخورد خویش با دیگران در حدود مشروع و رعایت اساسات و موازین اسلامی، آسانگیری و فراهمی تیسیرات را در گزینش خود داشته باشد و همواره پیش زمینه ها و سیستم های را دستور کار قرار دهد که صوبت آفرین، عسرت بار و حسرت آور نباشد.

آسان گیری و تخفیف در مقدار مهر:

مطابق استناد گذشته، انتها یا اقصی در مهر تعیین نشده یعنی به اعتبار حد اکثر محدودیتی نیامده است مع هذا مطابق ارشاد و روحیه احادیث مبارکه به تخفیف در مهر و جلوگیری از مغالات و زیاده روی در تعیین مهر ترغیب و تشویق صورت گرفته است.

« خَيْرُهُنَّ أَيْسَرُهُنَّ صَدَاقًا »^۳

ترجمه: بهترین زنان آن است که مهریه آنها سبک باشد.

« خَيْرُ الصَّدَاقِ أَيْسَرُهُ »^۴

ترجمه: بهترین مهریه آسانترین آن است.

« خَيْرُ النِّكَاحِ أَيْسَرُهُ »^۵

ترجمه: بهترین نکاح آسانترین آن است.

^۱ - دایرة المعارف اخلاق قرآنی جلد سوم صفحه ۲۳

^۲ - شیخ مصلح الدین سعدی

^۳ - کنز العمال فی سنن الاقوال والافعال، شماره - ۴۴۵۳۷ جلد ۱۶ صفحه ۱۲۵

^۴ - کنز العمال فی سنن الاقوال والافعال شماره - ۴۴۷۰۰ جلد ۱۶ صفحه ۱۳۶

^۵ - سنن ابی داؤود، حدیث شماره ۲۱۱۷ کتاب النکاح، باب: فیمن تزوج ولم یسم صداقا حتی مات

«أَعْظَمَ النِّكَاحَ بَرَكَةً أَيْسَرُهُ مُؤَنَّةً»^۱

به این مفهوم که بزرگترین نکاح از نظر برکت آسان ترین آن از نظر تکالیف (مصارف مالی) است.

یعنی هر قدر تکالیف و مصارف یک ازدواج کم باشد به همان اندازه با برکت می باشد.^۲ به خاطر همین اهمیت بزرگی که ازدواج دارد سنت نبوی، مسلمانان را به سبک گرفتن و آسان گیری در امر مهریه و جهیزیه و تهیه وسایل خانواده رهنمایی می کرد مبادا که تکبر و فخر فروشی مانع ازدواج گردد و به سبب ناتوانی پسران جوان از پرداخت مهریه و عاجز بودن دختران جوان از فراهم ساختن جهاز موجب شیوع و ترویج فحشاء شود و سر انجام هم اهداف ازدواج پایمال و متلاشی شود.^۳

با در نظر داشت مال جوان، مقرر نمودن مهر مناسب است، هرگاه که غربت جوان معلوم می گردید و مهر را زیاد مقرر می کردند این باز بر جوان تحمیل کردن است باز هم برای مهر انتهای حد مقرر نشده است باز هم باید مهر آنقدر باشد که دادن آن در قدرت و طاقت جوان باشد.^۴ مقدار مهر بایست متناسب با توانایی اقتصادی داماد باشد.^۵

نباید دریافت مال و دارایی به عنوان مهریه و کابین دختر، منظور و مقصود پدران و اولیای دختران باشد و یا بر ایشان مهم باشد بلکه باید اهتمام آنان انتخاب همسری باشد که دختر در پناه او سعادتمند باشد شوهری که با تقوا و با شخصیت باشد تا دختر در سایه او پارسا و متخلق به اخلاق نیکو بار آید.^۶

به اساس علو مرتبت و جایگاه شامخ و ابعاد محترم و پراهمیتی که نکاح دارد طی ارشادات صریح

۱- کنزالعمال فی سنن الاقوال والافعال، شماره ۴۴۵۷۰ جلد ۱۶ صفحه ۱۲۶

۲- حقوق فامیل صفحه ۱۸۶

۳- این حلال است و آن حرام است صفحه ۳۶۱ مؤلف عبدالقادر احمد عطا مترجم سالم افسری انتشارات کردستان ۱۳۹۱

۴- فتاویٰ حقانیه، جلد ۴ صفحه ۴۶۱

۵- حقوق و وجایب زن در اسلام صفحه ۱۴۶ نویسنده پروفسور رفعت حسن مترجم از انگلیسی به فارسی دوکتور روح الله مجددی، چاپ مطبعه حبیب الله حبیب، نوبت چاپ دوم ۱۳۹۲ هجری خورشیدی

۶- دیدگاههای فقهی معاصر جلد اول صفحه ۵۵۷

و غنامند در سنت نبوی صلی الله علیه وسلم، راجع به نکاح ترغیب و هم در مورد مهریه تسهیل و تخفیف مطرح شده است.

لکن در برخی معمولات معاصر بدعت ها و نابرابریهای زیادی در مهر و پروسه ازدواج شیوع و نفوذ نموده است مود و فیشن و اسالیب ناموزونی در پیرامون معاملات عروسی ها پدیدار شده که تحقق پروگرام تزوج را به یکی از ثقیل ترین رویکردها و غامض ترین عملیه ها تبدیل نموده است.

عنعنات، رسوم و رواجهای زنند و کمرشکن، ورود فرهنگهای مبتذل و دنباله رویهای سفاهت آمیز، حقیقت مسئله را در هاله‌ از ابهام برده و برسییل مشهود می توان گفت که در برخی عروسی ها به راه صواب، کم توجهی میشود و بعضا موضوعات آفاقی و رقابت های ناسالم دنبال می گردد.

برخی ها به نوعی ذهنیت و روحیه دارند که می کوشند تا نسبت به سایر مردم و مراسم ماضیه عروسیها مصارف بیشتر و مهر بالاتر را در دستور طلب قرار دهند و در انتخاب سالن های قیمتی جهت برگزاری محافل و نوع تهیه غذا شهر شوند و بعضی ها در صدد آن می باشند تا در مصارف هنگفت و گزاف سبقت نمایند.

مطلب سوم - موارد سزاوار مسابقه :

رقابت های ناسالم و مسابقات بی مورد و برداشت های نابرابر، در باب زیادت طلبی ها و اسراف مردم کم توان و بی بضاعت را سخت آشفته و پریشان نموده است.

مردم مسلمان و متعهد به اسلام را نباید که در مغاللات مهوور و مصارف و درخواست های آمیخته با تکبر و فخر فروشی و خود محوری ها باهم مسابقه دهند بلکه شیوه های را که سزاوار رقابت و موجب مسارعت و لایق پیش دستی است از تعلیمات والای قرآنی فرا بگیرند و خود ها را ملتفت و عیار ساخته و چشم جان بگشایند و ببینند که خداوند کریم آنها را در کدام ابواب و روی چه گزینه های به مسارعت و مسابقه و تنافس فراخوانده است و یقینا آن مسابقات،

مسابقاتی اند که جوایز و پاداش آنها ارزش و شأن و شوکت بی بدیلی داشته است.

خوشا به اوامر قرآنی در مسابقه های مبارک و پر فیض که سعادت و مکافات آن زوال و پایان ندارد. قرآن عظیم الشأن فرموده است.

{ سَابِقُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا كَعَرْضِ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ أُعِدَّتْ لِلَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ }
{ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ }^۱

ترجمه: بر یکدیگر پیشی بگیرید برای رسیدن به آموزش پروردگارتان و بهشتی که پهنای آن همان پهنای آسمان و زمین است. برای کسانی آماده شده است که به خدا و پیغمبرانش ایمان داشته باشند. این عطاء خدا است، و به هر کس که بخواهد آن را می دهد، و خدا دارای عطاء بزرگ و فراوان است.

سَابِقُوا: با همدیگر مسابقه دهید. بر یکدیگر پیشی بگیرید.^۲

{ فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ }^۳

ترجمه: پس به سوی نیکیها بشتابید و در انواع خیرات بر یکدیگر سبقت بگیرید.

{ اسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ: در نیکیها با هم مسابقه دهید و بر همدیگر پیشی بگیرید. }^۴

{ وَسَارِعُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ }^۵

ترجمه: و (با انجام اعمال شایسته و بایسته) به سوی آموزش پروردگارتان، و بهشتی بشتابید و بر همدیگر پیشی بگیرید که بهای آن (برای مثال، همچون بهای) آسمانها و زمین است (و چنین چیز با ارزشی) برای پرهیزگاران تهیه دیده شده است.

^۱ - سورة حدید، آیه ۲۱

^۲ - تفسیر نور، صفحه ۱۱۵۹

^۳ - سورة بقره آیه ۱۴۸

^۴ - تفسیر نور، صفحه ۴۱

^۵ - سورة آل عمران، آیه ۱۳۳

{ إِنَّ الَّذِينَ هُمْ مِنْ خَشْيَةِ رَبِّهِمْ مُشْفِقُونَ وَالَّذِينَ هُمْ بِآيَاتِ رَبِّهِمْ يُؤْمِنُونَ وَالَّذِينَ هُمْ بِرَبِّهِمْ لَا يُشْرِكُونَ وَالَّذِينَ يُؤْتُونَ مَا آتَوْا وَقُلُوبُهُمْ وَجَلَةٌ أَنَّهُمْ إِلَىٰ رَبِّهِمْ رَاجِعُونَ أُولَٰئِكَ يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَهُمْ لَهَا سَابِقُونَ }^۱

ترجمه: کسانی که از خوف خدا در هراس هستند. آنانی که به آیات پروردگارشان ایمان دارند. افرادی که برای پروردگار خود انباز قرار نمی دهند (و کسی و چیزی را شریک او نمی کنند) اشخاصی که عطاء می کنند و می بخشند آنچه را که در توان دارند، در حالی که دل‌هایشان ترسان و هراسان است (از این که نکنند صدقات و حسنات آنان پذیرفته نگردد) و به علّت این که به سوی خدایشان (برای حساب و کتاب) برمی گردند.

چنین کسانی (که صفات چهارگانه ی ایشان گذشت) در خیرات و حسنات (با دیگران) مسابقه ی سرعت می دهند و در انجام آنها (برسایرین) پیشی می گیرند. يُسَارِعُونَ: بر همدیگر سرعت و سبقت می گیرند (وَهُمْ لَهَا سَابِقُونَ) از دیگران زود تر حسنات و خیرات انجام می دهند و جلوتر بدان می رسند. بلی! مسابقه مؤمنان در انجام خوبیها و نیکیها است و مسابقه بی دینان در انجام بدیها و زشتیها.^۲

{ يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَأُولَٰئِكَ مِنَ الصَّالِحِينَ }^۳

ترجمه: به خدا و روز رستاخیز ایمان دارند و (مردمان را) به کار نیک می خوانند و از کار زشت باز می دارند و در انجام اعمال شایسته و بایسته بر یکدیگر سبقت می گیرند، و آنان از زمره ی صالحانند.

{ وَمَنْهُمْ سَابِقٌ بِالْخَيْرَاتِ إِذْنِ اللَّهِ ذَلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ }^۴

^۱ - سورة مؤمنون، آیات ۵۷ - ۶۱

^۲ - تفسیر نور، صفحه ۷۱۲

^۳ - سورة آل عمران ۱۱۴

^۴ - سورة فاطر آیه ۳۲

ترجمه : و دسته ای از ایشان در پرتو توفیقات الهی در انجام نیکیها پیشتازند. این (سبقت درخیرات) واقعاً فضیلت بزرگی است.

سابق الی الخیرات: کسی است که واجبات و مستحبات را بجا آورده و محرمات و مکروهات و حتی بعضی از مباحات را ترک می کند.^۱

{ إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ عَلَى الْأَرَائِكِ يَنْظُرُونَ تَعْرِفُ فِي وُجُوهِهِمْ نَضْرَةَ النَّعِيمِ يُسْقَوْنَ مِنْ رَحِيقٍ مَخْتُومٍ خِتَامُهُ مِسْكٌ وَفِي ذَلِكَ فَلْيَتَنَافَسِ الْمُتَنَافِسُونَ }^۲

ترجمه : بی گمان نیکان در میان انواع نعمتهای فراوان بهشت بسر خواهند برد. بر تختهای مجلل (بهشتی) تکیه می زنند و (به زیباییها و نعمتهای بسیار آنجا) می نگرند. (هرگاه بدیشان بنگری) خوشی و خرمی و نشاط نعمت را در چهره هایشان خواهی دید.

به آنان از شراب زلال و خالصی داده می شود که دست نخورده و سر بسته است.

مُهر و دربند آن از مشک است (و با دست زدن بدان، بوی عطر مشک در فضا پراکنده می شود) مسابقه دهندگان باید برای به دست آوردن این (چنین شراب و سایر نعمتهای دیگر بهشت) با همدیگر مسابقه بدهند و بر یکدیگر پیشی بگیرند .

رَحِيقٍ : شراب خالص (مَخْتُوم) مهر شده، سر بسته، این تعبیر تأکیدی بر خلوص و پاکی و دست نخوردگی شراب بهشت است که هوش و عقل و نشاط و عشق و صفا می آفریند .^۳

تنافس : مشاجره و کشمکش بر سر تصاحب یک چیزی است که هر کس آنرا برای خودش می خواهد لذا بر سر آن با دیگران رقابت می کند.^۴

^۱ - تفسیر انوارالقرآن جلد ۵ صفحه ۷۰ ترتیب و ترجمه، عبدالرؤف مخلص چاپ دوم سال ۱۳۸۳ هـ ش ناشر : انتشارات شیخ الاسلام

احمد جام

^۲ - سوره مطففین آیات ۲۲ - ۲۶

^۳ - تفسیر نور صفحه ۱۲۷۷

^۴ - تفسیر انوارالقرآن جلد ۶ صفحه ۵۷۲

لَيْتَنَافَسُ: باید که مسابقه بدهد و رقابت بکند و پیشی بگیرد { الْمُتَنَافِسُونَ } مسابقه دهندگان. رقابت کنندگان^۱

سرعت، سبقت، و پیش دستی تحت عنوان رقابت سالم با همدیگر باید به هدف حصول مغفرت پروردگار و توصل به جنت تحقق پذیرد و همچنان مسابقه و مسارعه بسوی انجام خیرات، راه اندازی شود.

واقعا مسابقه مؤمنان متعهد و مخلص در اجرای خوبیها و نیکیها صورت می گیرد و مسابقه مردم دور از دین، در بدیها و زشتیها و آلودگیها دیده می شود.

سبقت در اعمال شایسته و فضیلت مند، انسان را در روند صالحات و در شمار صالحین می آورد و مشترکین این مسابقه کسانی می توانند باشند که از محرمات و منکرات جدا پرهیزند و برادای واجبات دینی و تعمیم اوامر حسنه بالمواظبه مبادرت ورزند.

فراگرفتن این آموزه ها واجب ذمه همگان است تا بدانند که مسابقه و رقابت و سرعت در مواردی است که دین اسلام آنرا تبیین داشته و ارزش مسابقه و پیش دستی را دارد و اما در معاملات مختلفی که منجر به تبذیر و اسراف و ظهور فساد می شود سبقت را بگذار که نفس ارتکاب آن هم گناه است.

بناء متکی به این ارشادات در مصارف مراسم ازدواج و عروسی ها از زیاده رویها و عناوین نا بجا که اغلب رقابت های ناسالم و سبقت جوئی های مصنوعی عامل آن می شود و به افلاس واضطراب حیاتی فامیل ها و عزوبت جوانان می انجامد، اجتناب شود و هم از عنوان نمودن مهوور ما لایطاق، انصراف و عمل به تخفیف شود زیرا فضیلت و مکانت خوب در تخفیف آن نهفته است و سبک گیری و تسهیل درین باب پیامد های بسیار نیک و نتایج گوارا و زیبا دارد.

مطلب چهارم - مسایل متفرقه ای پیرامون مهر

پیامد مهور سنگین :

هنگامه مصارف گزاف و وضع مهور بلند مانع عمده بر سر راه نکاح قرار می گیرد و برنامه نکاح و ازدواج را تعطیل می نماید در حالیکه خداوند کریم راجع به نکاح صریحا امر فرموده است: { وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَىٰ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ }^۱

ترجمه: مردان و زنان مجرد خود را و غلامان و کنیزان شایسته ی (ازدواج) خویش را (با تهیه ی نفقه و پرداخت مهریه) به ازدواج یکدیگر در آورید (و به فقر و تنگدستی ایشان ننگرید و نگران آینده ی آنان نباشید. چرا که) اگر فقیر و تنگدست باشند (و ازدواجشان برای حفظ عفت و دوری از گناه انجام گیرد) خداوند آنان را در پرتو فضل خود دارا و بی نیاز می گرداند. بی گمان خداوند دارای نعمت فراخ (بوده و) آگاه (از نیات همگان) است

أَنْكِحُوا: مردان را همسر، و زنان را شوهر دهید. مراد سهل و ساده و بی ریا و تکلف گرفتن ازدواج و پرداخت مخارج آن و تهیه مهریه و نفقه است.

الْأَيَامَى: جمع اَیْم، مردان و زنان بیوه. در اینجا مراد، مردان و زنان مجرد است اعم از پسر و دختر و بیوه.

الصَّالِحِينَ: شایستگان. مراد کسانی است که می توانند ازدواج کنند و به وظائف زناشویی اقدام نمایند، اهل تقوا و صلاح.^۲

و همچنان در احادیث مبارکه، راجع به نکاح تا آنجا تأکید و سفارش شده که رسول اکرم صلی الله علیه وسلم، نکاح را از سنن مرسلین و هم از سنن خود معرفی داشته و عمل به سنت را امر نموده و اعراض از آنرا بگونه ای وانمود فرموده اند که علامه نیستی شخص را از شمار امت نشان می دهد.

^۱ - سوره نور آیه ۳۲

^۲ - تفسیر نور صفحه ۷۳۲

اگر نهادن مهر سنگین و فوق استطاعت مالی و طرح مصارف گزاف و آمیخته با اسراف و ناخوان بر بضاعت اقتصادی در مراسم عروسی ها معمول شود مردم ناتوان چون استعداد پرداخت و تأمین آن را در خود نمی بینند ناگزیر از جریان عقب نشینی مینمایند و چنین کاری عامل ترک و یا تأخیر در مرحله نکاح می شود در حالیکه تحقق نکاح امر الهی و سنت انبیاء علیهم السلام می باشد.

همچنان فرجام مصارف افراطی و اسراف و سنگینی مهر، منجر به آن می شود تا فرزندان جوان اعم از دختر و پسر سالیان ممتد در عزوبت و تجرد به سر برده زندگی آنها کماکان ناقص و در حرمان از عذوبت و بدور از کمال واقع شود.

ناگفته پیداست که غلو و افراط در مهر و سایر هزینه های عروسی ضمن پس لرزه های ناگوار اقتصادی برای فامیل ها، علت پائین آمدن میزان ازدواج در میان جوانان می شود که مفاصل و تباهی های اخلاقی و اجتماعی آن بر هیچ کسی پوشیده نیست.

مفهوم اهم و مبرم دیگری، حفظ عفت و فروهشتن چشم از محرّمات به هدف وقایه ارزشهای اخلاقی است که فراهم آوردن پیش زمینه ها و تسهیل بستر و تعمیم نکاح و ازدواج، مؤثر ترین گزینه آن است.

رسول اکرم صلی الله علیه وسلم، فرموده اند:

« يَا مَعْشَرَ الشَّبَابِ مَنْ اسْتَطَاعَ الْبَاءَةَ فَلْيَتَزَوَّجْ فَإِنَّهُ أَغْضُ لِلْبَصَرِ وَأَخْصَنُ لِلْفَرْجِ وَمَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَعَلَيْهِ بِالصَّوْمِ فَإِنَّهُ لَهُ وِجَاءٌ »^۱

ترجمه: ای گروه جوانان هر کس که توانمندی ازدواج دارد باید ازدواج کند و همانا ازدواج چشم را (از نظر بر نا محرم) مانع می گردد و شرمگاه را (از ارتکاب نا مشروع) حفظ می کند و کسی که توانایی ازدواج نداشته باشد بر اوست که روزه بگیرد که آن برای او مهار کننده شهوت است.

۱- متفق علیه صحیح البخاری حدیث شماره ۵۰۶۶ کتاب نکاح، باب: من لم يستطع الباءة فليصم وصحيح المسلم حدیث شماره ۱۴۰۰ کتاب النکاح، باب: استحباب النکاح لمن تاقت نفسه اليه ووجد مؤنه و اشتغال من عجز عن المؤمن بالصوم

بدون تردید که کنترل چشم و حفاظت و تحصین فروج در تکوین مواصفات حسنه و رشد شخصیت یک مسلمان نقش مهم و ارزنده دارد به دلیل اینکه حفاظت فروج در ردیف اوصاف مؤمنین رستگار آمده است.

{ قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ وَالَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ وَالَّذِينَ هُمْ لِلزَّكَاةِ فَاعِلُونَ وَالَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ إِلَّا عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ }^۱

ترجمه: مسلماً مؤمنان پیروز و رستگارند. کسانی که در نماز شان خشوع و خضوع دارند. و کسانی که از (کردار) بیهوده و (گفتار) یاوه رویگردانند (و زندگی را جدی می گیرند؛ نه شوخی) و کسانی که زکات مال بدر می کنند. و عورت خود را حفظ می کنند. مگر از همسران یا کنیزان خود، که در این صورت جای ملامت ایشان نیست.

در پرتو این ارشاد قرآنی، مسلمانان رستگار، کسانی می توانند باشند که در پهلوی سایر مواصفات لازمه به محافظت فروج مراقب و کوشا باشند که چنین زمینه با عبور از مرحله نکاح به طرز بهتری مساعد خواهد شد.

حفاظت فروج من حیث یکی از عمده ترین صفات مؤمنین رستگار از اوصاف کسانی نیز است که رسول کریم صلی الله علیه وسلم، جنت را برای آنها تضمین فرموده اند.

« اٰمِنُوْا لِیْ سِتًّا مِنْ اَنْفُسِكُمْ اٰمِنُوْا لَكُمْ الْجَنَّةَ، اَدُّوْا اِذَا اُتِمْتُمْ وَاَوْفُوا اِذَا عَا هَدْتُمْ وَاَصْدُقُوْا اِذَا حَدَّثْتُمْ وَوَحَفُّوْا فُرُوجَكُمْ وَغَضُّوْا اَبْصَارَكُمْ وَكُفُّوْا اَیْدِیَكُمْ »^۲

ترجمه: شش چیز را از نفس خود برای من ضمانت کنید، ضمانت می کنم برای شما جنت را، امانت را ادا کنید هرگاه امانت دار شدید، وفا به عهد را هر وقت عهد کردید، صداقت را هرگاه سخن گفتید، شرمگاه خود را حفاظت کنید، چشمان تان را از حرام بپوشانید و دستهایتان را (از ظلم) منع کنید.

^۱ - سوره مؤمنون آیه های ۱-۶

^۲ - شعب الایمان، شماره - ۵۲۵۶ باب: فی الامانات وما یجب من ادائها الی اهلها

بی تردید که ازدواج نتایج و پیامدهای نیک و محاسن بی شماری دارد و هر چه که آمار ازدواج بر پایه اصول اسلامی بلند رود آمار اخلاق محوری و رشد عفت و آرامش روانی ارتقاء می نماید و بالندگی شخصیت رو به تکامل می نهد ولی بر خلاف به هر اندازه ای که ازدواج از نظر هزینه و مهریه دشوار تر و پیچیده تر گردد و موانع و مشکلات بر سر راه قرار گیرد بهمان اندازه دایره عزوبت و تجرد وسیع تر و راههای حرام بروی جوانان بازتر و آسانتر و انتشار فساد در میان آنان شایع تر می شود و خطری که از لحاظ سقوط جوانان در ورطات و ابتدال اخلاقی بسیار قابل نگرانی می باشد حاد تر می شود.

زیرا غریزه شهوت از سرکش ترین غرایز انسانی است که در برابر طغیان و تموج آن کمتر کسی می تواند ثبات و پایداری نشان دهد به ویژه در زمانی که نسل جوان و صنف روز در برابر تهاجم هولناک فرهنگی اغیار قرار داشته باشد و لبه تیز تبلیغات سوء، نیز متوجه آنها باشد.

از آنجا که جهان پهناور با روی کار آمدن فناوریهای مدرن و تکنالوژی پیشرفته به یک دهکده و حتی به یک اطاق کوچک تبدیل شده و برنامه های انحرافی اخلاقی می تواند هر آن از یک گوشه دنیا به بسیار سادگی در گوشه دیگرش پخش شود، وقایه و مراقبت جوانان یکی از مسایلی است که حد اکثر توجه و اهتمام را لازم دارد تا بتوان نسل های برومند خویش را که فردا های روشنی در انتظار شان است تحت آموزه های اسلامی تربیه نمود و از دام های مرموز رهااند.

لذا انسداد مجاری فتنه برانگیز و تعقیم نمودن فضای زیست جوانان و کناره نمودن آنها از آسیب پذیری های که سعادت را از آنها خواهد گرفت جز ترکیز بر اصل تربیت و تزکیه اسلامی و تخلق به اخلاق دینی و عمل نمودن بلاقید و شرط به اوامر اسلامی و اجتناب قاطع از نواهی آن، راه دیگری نخواهد داشت.

همه می دانند که مؤفق ترین راهکار در امر مبارزه پیگیر علیه مفسد اخلاقی و نه گفتن به غریوی هلاکت بار دیو فساد و فحشاء، بستن مجرای نفوذ و برجیدن بساط های شیوع آن است که تعمیم نکاح و تیسیر مقدمات آن تحت شرایط و قواعد دینی درین راستا کاربرد عینی و تأثیر فراگیر دارد و هر چه مراسم عروسی ها بی تکلف گردد و هزینه های کمر شکن و مهریه های بی پیشینه

و فوق توان، از آن جدا و اصرار و اغلال مازاد و جعلی ناپدید گردد مردم به سادگی می توانند از مراسم مشروع نکاح و ازدواج عبور نمایند و این جاست که اثرات فعالیت هایی ننگین در جبهه ابتدال و انحطاط اخلاقی فروکش نموده و جوانان ما از کمینگاهای وحشتناک و مخوف، جان به سلامت خواهند برد.

بناء تقاضای تقوا و موجبات حکمت و رأی منطقی و صواب آن است تا جهت بخشیدن صبغه اسلامی به اوضاع مسلط بر مراسم ازدواج بکشیم تا معمولات و عنعنات ناپسند و خلاف شرع از مسیر برکنار و مصارف وجوهات گزاف مالی و طلبات حیرت آور در مهریه ها که وازع عمده در روند تعمیم نکاح است از میان برداشته شود.

نتیجه مفید دیگر نکاح و ازدواج آن است که طی آن تسکین نفسی و اطمینان روحی به انسان میسر می شود قرآن کریم میفرماید:

{ وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ }^۱

ترجمه: و یکی از نشانه ای (دال بر قدرت و عظمت) خدا این است که از جنس خود تان همسرانی را برای شما آفرید تا در کنار آنان (در پرتوجاذبه و کشش قلبی) بیارامید، و در میان شما و ایشان مهر و محبت انداخت (و هریک را شیفته و دلباخته ی دیگری ساخت، تا با آرامش و آسایش، مایه ی شکوفائی و پرورش شخصیت همدیگر شوید، و پیوند زندگی انسانها و تعادل جسمانی و روحانی آنها بر قرار و محفوظ باشد) مسلماً در این (امور) نشانه ها و دلایلی (بر عظمت و قدرت خدا) است برای افرادی که (درباره ی پدیده های جهان و آفریده های یزدان) می اندیشند.

بی تردید تسکین و آرامش روحی چیز بسیار قیمتمدار و ارزشمندی است که هیچ کدام از پهلوهایی مادی زندگی با آن همسری کرده نمی تواند لکن زمانیکه در تقاضای مهر، غلو و افراط معمول شود و آوازه آن محیط را بیچاند و جوانان ببینند که جریان ازدواج از دید مالی

فوق توان آنها است، نکاح به تأخیر افتیده و آنگاه قدم گذاشتن به آستان تسکین روحی ازین سلسله میسور نخواهد بود.

از فواید نکاح و ازدواج حصول اولادها است که برای والدین خنکی چشم بوده و مسرت قابل وصفی را بار می آورند.

قرآن کریم میفرماید: { وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ ... }^۱
ترجمه: و کسانی که می گویند: پروردگارا! همسران و فرزندان به ما عطاء فرما (که به سبب انجام طاعات و عبادات و دیگر کارهای پسندیده، مایه ی سرور ما و) باعث روشنی چشمانمان گردند.

فیض و مفاد فرزندان صالح پس از مرگ و درعالم عقبی نیز به انسان از سلسله ایصال ثواب و ادعیه مقبوله نقش بسزا و قابل وصفی دارد.

« عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: إِذَا مَاتَ الْإِنْسَانُ انْقَطَعَ عَنْهُ عَمَلُهُ إِلَّا مِنْ ثَلَاثَةٍ إِلَّا مِنْ صَدَقَةٍ جَارِيَةٍ أَوْ عِلْمٍ يُنْتَفَعُ بِهِ أَوْ وَلَدٍ صَالِحٍ يَدْعُو لَهُ »^۲

ترجمه: از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود:
هرگاه انسانی بمیرد عمل او منقطع می گردد جز از سه طریق، صدقه جاریه ای (که مردم بعد از مرگ او، از آن بهره مند شوند) علم و دانشی که مردم از آن استفاده کنند، یا فرزند صالحی که بعد از مرگ او، برایش دعا کند.

همچنان تکثر فرزندان مسلمان نقش درخشنده دیگری هم دارد که موجب افزایش امت اسلامی می شود و رسول اکرم صلی الله علیه وسلم، به آن مباحثات مینمایند.

« أَنْكِحُوا فَإِنِّي مُكَاثِّرٌ بِكُمْ »^۳

ترجمه: مردان را همسر، و زنان را شوهر دهید پس من به کثرت شما افتخار می کنم.

^۱ - سورة فرقان آیه ۷۴

^۲ - صحیح المسلم حدیث شماره - ۱۶۳۱ کتاب الوصیه، باب: ما یلحق الانسان من الثواب بعد وفاته

^۳ - سنن ابن ماجه حدیث شماره - ۱۸۶۳ کتاب النکاح، باب: تزویج الحر والنولود

پس زمانی که پای وضع مصرف و مهوور توان فرسا در میان آمد و به اثر آن مرحله ازدواج به تعلیق و تأخیر رفت انسان مسلمان ازین همه برکات و آثار نیکو محروم گردیده و بُعد دیگری که افزایش امت از طریق تکثر فرزندان مسلمین می باشد نیز از دسترس بدور واقع می شود.

این همه اوامر و پیام ها میرساند که در تعمیم و تسهیل پروسه نکاح حکمت ها و فرآیندهای بسیار زیبا و جالبی نهفته است و ممد واقع شدن درین عرصه مفید واقع شدن به جامعه اسلامی بوده و اهمال در برابر آن پشت پازدن به ارزشهای جامعه خواهد بود.

این را هم باید افزون داشت که برخی اوقات از سوی خانواده دختر ارائه جواب مثبت در خطبه یا قبولیت خواستگاری مشروط به این می شود که مسکن یا محل بود و باش دختر بعد از عروسی باید چنین و چنان باشد و رسم و رواج ما است که پس چون اولیای پسر همان ظرفیت مالی را در مقدور خود نمی بینند بالاجبار دنباله مسئله را ترک می نمایند و انتظارات و امیدواریهای پسر و دختر فرسایشی و زمانگیر شده و به اعتبار ظاهر دورنمای تاریکی سر راه شان قرار خواهد گرفت همچنان گاه گاهی فامیل دختر در حین مرحله عروسی پول هنگفتی از طرف پسر به عناوین مختلف میخواهند و فرمایشاتی گوناگونی می دهند هر قدر که وابستگان پسر اصرار و الحاح کنند که این اشیاء ضرورت نیست و ما توان پرداخت پول آن را نداریم این سخن ها هیچ شنونده ای نمی داشته باشد و سرانجام درین وقت نازک، طرف پسر به هر قیمتی که تمام شود برسبیل ناگزیری داعیه فامیل دختر را اجابت می کند لکن این رسم در محیط و منطقه جا افتاده و نهادینه می شود و رفته رفته به حیث رسومات و عنعنات ناپسند به مضیقه ای در برابر ازدواج تبدیل خواهد شد.

وجیه و تکلیف هر مسلمان است که در حد توان علمی خویش به خانواده های مسلمان و به اقارب و محارم خویش این امر را تشریح و توضیح نمایند و به زنانی که مادر، مادر کلان، خواهر، خاله و عمه می باشند حقایق دینی را در مورد تخفیف مصارف عروسی بفهمانند و هم موضوع تخفیف در مهر را تبلیغ نمایند.

بسا اوقات وابستگان در وقت آغاز معامله عروسی هر کدام بشکل جداگانه خود را بدختری که قرار است مقدمات عروسی اش فراهم شود متفقد و دلسوز نشان می دهند و هریکی برمصدق ضرب المثل (از دریا آب می بخشد) به طور جدا، جدا خواست های خویش را اعمال نموده و صعوبت و عسرت قابل ملاحظه ای را برای خانواده پسر ایجاد می نمایند.

بناء ما باید به هریکی از برادران، خواهران، شهروندان و دوستان این اعلام و هشدار را بدهیم که هیچ کسی نمی تواند از نفس خود و به طبع و میل و اقتضای فخر و غرور خویش در ابواب مسایل دینی، من جمله نکاح و متعلقات و آثار شرعی آن، تزئید یا تنقیص آورد بلکه موفقیت و رستگاری و کامیابی یک مسلمان بستگی به عمل کردن به اساسات و واجبات دین اسلام دارد، انسان درهمه عرصه های زندگی و کلیه شئون حیات باید مطابق ارشادات دین نجات بخش اسلام حرکت نماید و هرگز هوا و نفس و جلایشها و جذبات مادی را در اصول و مبانی دینی مجال نفوذ ندهد یعنی این طور نکند که امر و سفارش قرآن و سنت را نادیده بگیرد و به خواهش خود یا به تقاضای دوستان و یا به رسوم دوران عمل کند.

محققا در هر زمانیکه رابطه انسان، در هربخشی از مسایل زندگی با منبع نور و سرچشمه زلال و شفاف هدایت سماوی قطع گردد و هوای دل و خواهش های نفس را اعمال کند در آن صورت عملکرد او ضلالت و خرافه و انحراف از خط فطرت انسانی بوده، انجامش خسران در دنیا و عقبی می باشد.

تا هوا تازه است ایمان تازه نیست کاین هوا جز قفل آن دروازه نیست^۱

به این اساس باید برحذر بود و هدایات قرآنی و ارشادات نبوی را درهمه ابعاد زندگی نصب العین قرار داد و هر آنچه در تضاد با این هدایات و ارشادات تشخیص گردد علیه آن واقع شد.

^۱ - مولوی جلال الدین محمد بلخی

متکی به شرح فوق بایست همه سخت گیرها، و مهووسنگین و مصارف ما لایطاق را با تبلیغ پیوسته، از میان برداریم تا ازدواجها بسادگی و بی تکلف عام گردیده و غرایز جوانان از مجرای مشروع اشباع و حواس و روان آنها درین باب ساکن و آرام شود.

آیا مهر، معافیت، تقلیل و زیادت را می پذیرد؟

مهر، دین منکوحه بر ذمه شوهر بوده و برای سبکدوشی از آن دو راه وجود دارد یکی آنکه شوهر دین مذکور را ادا کند و دیگر آنکه منکوحه آنرا عفو نماید و حيله ای برای معافی آن وجود ندارد.^۱

در حق مهر اضافه کردن و کم کردن هر دو شرعا جایز اند.^۲ اگر مهر مُسمی حسب شرایط و تعریف ویژه اش مبتنی بر موافقه به انتهاء رسیده باشد در صورتیکه شوهر متصف به مواصفات لازمه باشد و روی کدام دلایل ممنوع التصرف نگردیده باشد برای او تجویز است که بعد از تمامیت عقد، بر مهرهمسر خویش مطابق شرایط آن بیفزاید. همینطور زوجه دارای اهلیت کامل که بالغه عاقله و رشیده باشد صلاحیت دارد قسمتی از مهر یا مجموع مهر معینه خود را به شوهرش ببخشد.

مهر بعد از مرگ شوهر :

بعد از نکاح به مرگ شوهر مهر قایم و مؤکد می گردد ازین جهت، زن حق دار مهر است بدیگر جای نکاح نماید یا نه.^۳

۱- فتاوی دارالعلوم دیوبند جلد ۸ صفحه ۱۷۰

۲- فتاوی حقانیه جلد ۴ صفحه ۵۸

۳- فتاوی حقانیه، جلد ۴ صفحه ۶۴

آیا عدم ذکر مهر مانع تحقق نکاح می شود؟

تعیین مهر از جمله ضروریات نکاح است، رکن نیست لهذا اگر مجلس نکاح در حضور شاهدین به طریقه شرعی نکاح منعقد گردیده باشد اگر چه که مهر، نامبرده نشده باشد باز هم نکاح صحیح است.^۱

اموالی که مهر شده می تواند :

در مهر دادن هر آن اشیائی جایز است که بنفسه مال باشد.^۲

دیدگاه فقه اسلامی درین باب این است که هر مال معلوم دارای ارزش که قیمت آن به ده درهم شرعی یا زیاده تر از آن برسد و در آن جهالت مفضی به سوی منازعه وجود نداشته باشد مهر شده می تواند اعم ازینکه مال مورد نظر از نوع پول نقد باشد یا جنس از نوع اموال منقول باشد یا عقارات و اموال غیر منقول.^۳

^۱ - فتاوی حقانیه جلد ۴ صفحه ۵۷۴

^۲ - فتاوی حقانیه جلد ۴ صفحه ۴۴۴

^۳ - حقوق فامیل صفحه ۱۸۸

نتیجه گیری

۱- مهر یکی از آثار مرتب بر عقد صحیح از سلسله نکاح و ازدواج است فواید، حکمت ها، و نقش و تأثیر آن در بر آیند بر ادامه حیات فامیلی نهایت حساس و ارزشمند بوده و در نظر داشت و رعایت مفاد آن از تکلیف ها و مسئولیت های هر یکی از مسلمانها است.

۲- در پی مطالعه این اثر هر یکی از مسلمانان بایست ظرفیت ها و امکانات خویش را به کار بسته و از طریق وعظ، نصیحت، قلم، قدم، نفوذ، رسوخ و صلاحیت های علمی و اجرایی خویش در تطبیق و تَبْلُور این وجیه همت گماشته و اهمیت و جایگاه مهر را در آئینه عمل ارائه بدارند و بر تعمیل تعهداتی که در حین عقد نکاح روی مهر صورت می گیرد سفارش و تأکید نمایند تا فاصله بین طرح و تصویب مهر و جریان تطبیقی آن از میان برداشته شود و عمل به این اصل دینی یعنی تأدیه واقعی مهر در صحنه زندگی اجتماعی بیشتر و بهتر متبلور و متبارز شود.

۳- به زنان مسلمان ذهنیت داده شود تا این مدرک تقویت اقتصادی خویش را با افتخار و حقانیت و هیمنت درک کنند و اعطای اموال و مبلغی را که از سلسله مهر به آنها محول و تعهد می شود بدست بیاورند و هیچگاهی به دست آوری حق مهر خویش را عار تلقی نکنند.

۴- همه برادران و خواهران باورمند و متعهد به اسلام بایست این امر مهم و عمده را لحاظ نموده، و این آموزه را در سطوح مختلف جامعه به شرب دوستان و متعلقین بدهند تا آگاهی دینی درین راستا همگانی شود.

۵- هیچگاه موضوع مهر بدنبال عقد صحیح در نکاح دست کم و سطحی گرفته نشود زیرا هر آنچه ارشاد دین نجات بخش اسلام است به دنیا و عقبای مسلمانان مفید بوده و التزام به آن نمایانگر انقیاد و گرایش عملی یک مسلمان به اوامر اسلامی می باشد.

۶- با توجه به اصل و مبادی مسئله، مفهوم تخفیف در مهر که فحوای احادیث شریفه آن را فرمایش می نماید در خلال جامعه و در محضر مسلمانان بطرز حکیمانه و قابل جذب برجسته و روشن شود و به عام مردم تبلیغ گردد که از رقابت های ناسالم و ناباب درین خصوص که پیامد های ننگین و ناگوار دارد اجتناب نموده و ضمناً سعی بدارند تا در ابوابی که مغفرت الهی و

جنت، پاداش آن است به مسابقه مبادرت ورزند نه این که در معاملات عروسی و وضع مهور سنگین از همدیگر پیشی بگیرند.

۷- استعداد پذیرنده مهر از جانب متقاضی در نظر گرفته شود و همچنان شخصی که متعهد به پرداخت مهرمی گردد باید به شکل تنظیم شده و با سنجش و مطابق ظرفیت مالی و امکانات اقتصادی خویش مهر را تحمل نماید یعنی به گونه ای که عندالموقع تاب پرداخت آن را داشته باشد.

۸- هرگاه مردم مسلمان ببینند که جریان بحث راجع به مهر به نوعی سوی انحراف و مخالفت با اوامر اسلامی می رود از توانمندیها و آگاهی های اسلامی خویش به طرفین معلومات ارائه نمایند و همه مردم تاب و توان و نفوذ خود را در جهت عمل به سنت های اسلامی هم آهنگ و منسجم و فشرده سازند زیرا در اجتماع اسلامی هر واحدی از مسلمانها در هر زمان و مکانی که نوعی عدول و تخلف از اصول اسلام را ملاحظه نماید تکلیف و وجیه او است تا علیه آن واقع شده و در امر اصلاح هر چه سریع آن بکوشند البته این شیوه بهترین راهکار و گزینه در رعایت مصالح و نجات جامعه از زوال و اضمحلال است.

فہرست مراجع

۱- قرآن کریم

۲- فہرست موضوعی آیات قرآن، گرد آوری و ترتیب، داکتر محمد مصطفی محمد، ناشر، خواجہ عبد اللہ انصاری، چاپ دقت، نوبت چاپ اول ۱۳۸۹ھ.

۳- تفسیر معارف القرآن، مؤلف مفتی محمد شفیع عثمانی، مترجم، محمد یوسف حسین پور، چاپ ہفتم تابستان ۱۳۹۲ھ - ش ناشر: شیخ الاسلام احمد جام.

۴- تفسیر انوار القرآن، ترتیب و ترجمہ، عبدالرؤف مخلص، چاپ دوم سال ۱۳۸۳ھ ش ناشر: انتشارات شیخ الاسلام احمد جام.

۵- تفسیر نور، تألیف دکتہ مصطفی خرم دل، ناشر: نشر احسان چاپ دہم سال ۱۳۹۳ھ ش چاپخانہ اسوہ.

۶- صحیح البخاری، امام ابو عبد اللہ محمد بن اسماعیل بخاری، با ترجمہ فارسی، مترجم عبد العلّی نور احاری، ناشر شیخ الاسلام احمد جام.

۷- صحیح المسلم للامام ابی الحسین مسلم بن الحجاج القشیری نیشاپوری، الطبعة الاولى ۱۴۲۳ھ ق ۲۰۰۳ م دار الخیر، بیروت لبنان.

۸- جامع الترمذی، للامام المحدث ابی عیسیٰ محمد بن عیسیٰ بن سورة الترمذی المتوفی سنة ۲۹۷ھ ق الطبعة الاولى ۱۴۲۱ھ ق ۲۰۰۰ م دار الکتب العلمیة بیروت لبنان.

۹- سنن ابی داؤود، للامام الحافظ المتقن ابی داؤود سلیمان بن الاشعث السجستانی الازدی ۲۰۲ھ - ۲۷۵ھ ق الطبعة الاولى ۱۴۲۲ھ ق ۲۰۰۱ م - دار المعرفہ، بیروت لبنان.

۱۰- شعب الایمان، تألیف الامام ابی بکراحمد بن الحسین البیہقی المتوفی سنة ۴۵۸ھ ق الطبعة الاولى ۱۴۲۵ھ ق ۲۰۰۴ م مکتبة نزار مصطفی الباز المملكة العربية السعودية مكة المكرمة.

۱۱- مسند الامام احمد بن حنبل المتوفی سنة ۳۴۱ھ ق الطبعة الاولى ۱۴۱۳ھ ق ۱۹۹۳ م دار المکتبة العلمیة بیروت لبنان.

۱۲- سنن ابن ماجہ الحافظ ابی عبد اللہ محمد بن یزید القزوینی ابن ماجہ ۲۰۲- ۲۷۵ھ ق الطبعة الاولى ۱۴۲۱ھ ق ۲۰۰۰ م دار احیاء التراث العربی بیروت لبنان.

۱۳- کنز العمال فی سنن الاقوال والافعال للمتقن الہندی طبع اول ۱۴۱۹ھ ق ۱۹۹۸ م دار الکتب العلمیہ بیروت لبنان.

۱۴- دایرة المعارف اخلاق قرآنی مؤلف محمد شرباصی مترجم محمد بہاء الدین حسینی ناشر

زرنست نوبت چاپ اول تابستان ۴۹

۱۵- سلسله سیرت خلفای راشدین، جلد دوم، بررسی و تجزیه و تحلیل زندگانی خلیفه دوم، عمر بن خطاب رضی الله عنه، مؤلف دکتر علی صلابی، مترجم عبدالله ریگی چاپ اول سال ۱۳۸۸هـ ش برابر با ۱۴۳۱هـ ق .

۱۶- فقه خانواده در جهان معاصر، تألیف دوکتور وهبه زحیلی، ترجمه عبدالعزیز سلیمی، نشر، احسان، چاپ دوم ۱۳۸۵هـ ش.

۱۷ - مختصر فقه، مؤلف عبدالعظیم بن بدوی مترجم، عبدالله محمدی ناشر، احسان چاپخانه مهارت، نوبت چاپ سوم ۱۳۹۰هـ ش .

۱۸ - دیدگاههای فقهی معاصر، مؤلف داکتر یوسف قرضاوی، مترجم، داکتر احمد نعمتی ناشر نشر احسان، نوبت چاپ اول ۱۳۸۴ چاپ، چاپخانه مهارت .

۱۹ - الفقه الاسلامی و ادلته تألیف دوکتور وهبه زحیلی، ناشر: نشر احسان، تهران الطبعة الاولى ۱۴۲۷هـ ق ۲۰۰۶ م .

۲۰ - فتاوی دارالعلوم دیوبند، نویسنده حضرت مفتی عزیز الرحمن (رح) مترجم مولوی محمد انور صاحب

۲۱ - فتاوی حقایق افادات شیخ الحدیث حضرت مولانا عبدالحق صاحب رحمة الله علیه، مترجم مولانا نصرالله منصور تخاری، ناشر، مکتبه فریدی، محله جنگی پشاور .

۲۲ - حقوق و وجایب زن در اسلام نویسنده پروفسور رفعت حسن، مترجم از انگلیسی به فارسی دوکتور روح الله مجددی، چاپ مطبعه حبیب الله حبیب، نوبت چاپ دوم ۱۳۹۲ هجری خورشیدی

۲۳- این حلال است و آن حرام است مؤلف عبدالقادر احمد عطا مترجم سالم افسری انتشارات کردستان ۱۳۹۱

۲۴- مهر و نفقه نویسنده عبدالبصیر شیخ احمدی چاپ مطبعه افغان مارک کابل افغانستان سال چاپ، چاپ پنجم عقرب سال ۱۳۹۵

۲۵- مولوی جلال الدین محمد بلخی

۲۶- شیخ مصلح الدین سعدی رح

۲۷- لغت نامه علی اکبر دهخدا